

طرح خودگردانی "هیئت ویژه دولت" نادیده گرفتن خواست و اراده خلق کرد است

هیات ویژه دولت در مذاکرات صلح کردستان، طرح خود را رسماً اعلام کرد. این طرح که با نام "طرح خودگردانی" ارائه شده است در حقیقت مواضع هیئت حاکمه را در برابر مطالبات حق طلبانه خلق کرد و دیگر خلق های ایران که برای رهایی از ستم قومی و ملی نیز مبارزه می کنند روشن می سازد.

روشن شدن مواضع هیئت ویژه دولت و اعلام رسمی آن، فصل تازه ای در مبارزات حق طلبانه خلق کرد باز می کند. اعلام رسمی این طرح سازماندهی مبارزه سیاسی جدیدی را در دستور اجزای سازمان های سیاسی خلق کرد قرار می دهد.

خلق کرد که از همان دوران سقوط رژیم منگور پهلوی بر حوصله مسالمت آمیز مسأله کردستان پافشاری می نمود، این بار در فضای ناشی از پیروزی جنبش مقاومت، به حق انتظار داشت که نمایندگان دولت که نام هیئت حسن نیت بر خود نهاده است به حداقل خواست های خلق کرد پاسخ مثبت دهد و خود مختاری کردستان را در چارچوب ایران یکبارجه مستقل به رسمیت بشناسد.

علیرغم این انتظار، "هیئت ویژه دولت" تا به حال کوشیده است تنها نظریات یک جانبه خود را به پیش برد. این هیئت چشم خود را بر روی واقعیات موجود در کردستان بسته است و آشکارا اعلام می کند که به خواست های حق طلبانه خلق کرد که در راه تحقق آن مبارزهای حماسه آفرین و خونین راپشت سر نهاده است، بی اعتنا است.

این سیاست هیئت ویژه تا به حال در دو زمینه ادامه یافته است. از طرفی با تحریف حقایق و ادامه تبلیغات سوء می کوشد هیئت نمایندگان خلق کرد را جنگ افروز و مخالف صلح معرفی کند. این سیاست مزورانه به نحوی سازمان داده می شود تا اتحاد تاریخی نیروهای جنبش مقاومت را درهم ریخته و راه را برای نادیده رفتن حقوق اساسی خلق کرد و تحمیل نظریات "هیئت حاکمه" پاز نماید. در این زمینه می توان از سیاست نمایندگی تراشی و انجام مذاکرات جداگانه نام برد که نمونه بارز آن قطع بی دلیل مذاکره با هیئت است. بقیه در صفحه ۲

شوراها در جهت قطع وابستگی گام بر میدارند

یکی از عمده ترین مسائلی که شورا های کارگری بعد از قیام با آن روبرو بوده اند، مسئله وابستگی واحدهای تولیدی بوده است. مسئله ای که همواره جلوی پای هر شورای واقعی وجود داشته است و موانعی جدی در راه کنترل تولید و توزیع به دست کارگران به وجود آورده است. نمونه چنین مشکلات و موانع زادر کارخانه الیاف و صنایع چوبی و غیره می توان ذکر کرد. در کارخانه الیاف، یکماه بعد از گرفتن کنترل تولید و توزیع به دست شورای کارگری و اخراج آلمانی ها، مواد اولیه (که از آلمان وارد می شد) تمام شد و شرکت آلمانی با سینه های کارفرما زادان میوه اولیه خودداری نمود. در نتیجه شورا با تعطیل کارخانه ورود و قرار گرفتن با کارگران مواجه گشت و مجبور به کناره گیری شد. همچنین در کارخانه صنایع چوب کارگران پس از بیرون راندن کارفرما از کارخانه و به دست گرفتن کنترل

بقیه در صفحه ۲



چرا بازرگان و رفسنجانی از جاسوسی امیرانتظام دفاع می کنند؟

بدیال انتشار استاد مرکز جاسوسی امریکا که نشان می داد سخنگوی نخستین دولت جمهوری اسلامی جاسوس و عامل امپریالیسم امریکا است، آقای بازرگان، نخست وزیر دولت موقت و عضو شورای انقلاب به منظور تاز به سوی دست زد تا آب رفته را به سوی بازگرداندن و آقای رفسنجانی وزیر بقیه در صفحه ۷

بمناسبت صدمین سالگرد تولد رفیق حیدر عمو اوغلی «هرچه حیدر خان بگوید راست است» (ستارخان)

ساخته بود. بورژوازی ایران درمی یافت که برای رشد بیشتر می باید سدهای فئودالی را یکی پس از دیگری از پیش پای سردارد. طلوع سرمایه داری در ایران و نخستین تلاش های مبارزه جویانه بورژوازی، برای آزادی از قید و بند های فئودالی و برای برداشتن و کسب و کار که بهره گیری از نیروی انقلابی بوده های میلیونی صورت می گرفت. با هجوم کالاها و سرمایه های امپریالیستی که از چندی قبل آغاز شده بود، همراه است. بورژوازی ایران زیر تاثیر هجوم سرمایه ها و کالاهای بقیه در صفحه ۶

سال های تکوین انقلاب مشروطیت. سال های کودکی و جوانی حیدر عمو اوغلی، سال های تکوین انقلاب مشروطیت ایران است. نظام پوسیده ارباب و رعیتی و استبداد مطلقه فئودالی از همه سو حاصه راه بند کشیده است. مغرور گسنگی توده های میلیونی دهقانان و بی چیزان شهری را به خانه خرابی و آوارگی می کشاند. بسیاری برای نامیدن و سایل معاش به کشورهای همجوار بخصوص به قفقاز مهاجرت می کنند. قید و بند های فئودالی پیشهوران و تجار ایرانی را در تنگنا قرار داده و راه رشدشان را مسدود

حیدر عمو اوغلی، نامی درخشان در تاریخ مبارزات مهنی است. در جنبش دمکراتیک امپریالیستی - دمکراتیک خلق های ایران، نام "حیدر عمو اوغلی" به عنوان یکی از بانیان سوسال دمکراسی، انقلابی بزرگ مشروطیت، سازمان دهی برجسته و فدائی کبیر در خاطره خلق های فهرا مار ایران بر جای خواهد ماند. حیدر عمو اوغلی در سال ۱۲۵۸ شمسی در ارومیه متولد شد. پدرش طبیب، با فرهنگ و دوست دار مردم بود. از این روحیدر عمو اوغلی در خانواده ای با فرهنگ و روشنفکر پرورش یافت.

نفتگران مبارز حفاری و مبارزات پیگیر آنان علیه شرکتهای امپریالیستی در جنوب

شود که رهبری سیاسی جنبش ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلق های ایران را به دست آورده و در راه ساختن ایران آزاد و دمکراتیک گام بردارد. ما وظیفه خود می شناسیم که طبقه کارگران را برای دهیم تا اهداف طبقه خود را در مبارزه ضد امپریالیستی - دمکراتیک بشناسد و در راه رهایی از سرمایه داری و بنای سوسیالیسم خود را تدارک ببیند. امپریالیسم و صنعت نفت ایران کار حفاری چاه های نفت در ایران به صورت مستمر از اوایل قرن بقیه در صفحه ۵

طبقه کارگران ایران و در راس آن کارگران صنعت نفت درنا بودی رژیم سلطنتی نقش تعیین کننده و درجه اول داشتند. با این همماز آنجا که طبقه کارگران ایران سازمان سیاسی خاص خود را نداشت و بر منافع طبقه خود آگاه نبود، توان و نیروی انقلابی آن در خدمت

سرمایه داران لیبرال و دوستان سرمایه داری قرار گرفت. سازمان ماکه با آرمان رهاایی طبقه کارگران ایران از بند و بار سرمایه داری تشکیل شده است، می کوشد این طبقه را متشکل سازد و خود را تا سطح حزب سیاسی آن ارتقاء دهد تا طبقه کارگران ایران قادر

در این شماره: مبارزات زحمتکشان ارومیه در صفحه ۵
گرامی باد یاد استاد مبارز دانشگاه شهید کامران نجات الهی در صفحه ۲
اقدامات وزیر جدید نفت علیه نفتگران آگاه و انقلابی در پوشش "پاکسازی" در صفحه ۷
تبلیغات توطنه گرانه توده ایها علیه دهقانان زحمتکش ترکمن صحرا در صفحه ۳
۴ صفحه ضمیمه کار شماره ۳۹

پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی طبقه کارگر و همه زحمتکشان ایران

طرح خودگردانی...

بقیه از صفحه ۱

نماینده کمی خلق کرد در مهاباد و مسافرت توطئه آمیز آقای داریوش فروهر به جنوب کردستان جهت نمایندگی ترافی است. ارائه طرح خود ساخته "خود گردانی" زمینه دیگری برای پیشبرد این سیاست ها است. این طرح که هیچگونه ارتباطی با خواست های عادلانه خلق کرد و مبارزه تاریخی آن ندارد در بهترین شکل خود چیزی بیشتر از پاره ای اختیارات محدود اداری و فرهنگی نیست که هیئت خاکمه کنونی برای جلوگیری از تمرکز اداری، خود را مجبور به اجرای آن یافته است. زیرا همان گونه که در سخنان اعضای هیئت ویژه مشاهده کرده ایم، آنها با بیان این که حقوق و مطالبات خلق کرد چیزی فراتر از مطالبات مردم تهران و فارس نیست اساساً ماهیت ستم ملی را تحریف می کنند و می کوشند برخواست های حق طلبانه خلق کرد که مصمم است برای تحقق آنها تا پای جان ایستادگی کند، پوشش بگذارند.

این سیاست دامنه همان سیاستی است که می خواهد مبارزه عادلانه خلق کرد و دیگر خلق های تحت ستم را برای ایستادگی و کسب خود مختاری سرکوب کند. این سیاست ادامه همان سیاستی است که در برابر جنبش مقاومت خلق کرد شکست خورده است.

این سیاست نشان می دهد که چه کسانی جنگ طلب هستند و از صلح عادلانه در کردستان می ترسند. چرا که چنین صلحی را مغایر منافع خود می دانند. این سیاست تنها زمینه را برای تکرار فحایم شرم آور گذشته فراهم می آورد و در خدمت سرکوبگران قرار دارد.

سازمان مادر مورد مسئله کردستان همواره بر این اساس تاکید داشته است که جنگ کردستان جنگی ناخواسته و تنها به سود امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا است. از این رو هم صدای بلخلاق کرد، چه قبل از آغاز جنگ، چه در جریان جنگ و چه در طول صلح مذاکره، همیشه از راه حل صلحاً میز مسئله کردستان جانبداری کرده و در جهت آن از هیچ کوششی فروگذار نکرده است.

ما یک بار دیگر قاطعانه اعلام می داریم که برخواست های حق طلبانه خلق کرد، تاکید داریم و از مواضع اعلام شده هیئت نمایندگی خلق کرد، جانبداری می کنیم. ما هرگونه سیاستی را که بخواهد حق مسلم خلق کرد و زحمتکشان سراسر ایران را نادیده بگیرد، شدیداً محکوم می کنیم و همگام با نیروهای مترقی تا پای جان در کنار خلق های تحت ستم میهن خود به مبارزه عادلانه ادامه داده و از خواست های برحق آنان دفاع خواهیم کرد.

گرامی باد یاد استاد مبارز دانشگاه شهید کامران نجات الهی

ایران را تخریب می کردند و بیکارچه فریاد بر می آوردند. "نه سازش، نه تسلیم، جنگ مسلحانه، تشییع جنازه استاد شهید، از همان آغاز با درگیری مردم با ارتش ضد خلقی رژیم شاه همراه بود.

با یورش ارتش و پلیس به انبوه جمعیتی که جنازه را تشییع می کردند مردم با روحیه ای که سرشار از مبارزه بود، در کوچه و خیابان منازل سنگر گرفتند و با دژ خیمان رژیم پهلوی به نبرد پرداختند.

ارتش و شهرتانی به خانه های اطراف میدان انقلاب یورش بردند و مردم را در خانه ها به گلوله بستند. در این روز تعداد زیادی به شهادت رسیدند و کثیری مجروح شدند.

ما با بزرگداشت خاطره دکتر کامران نجات الهی، در همین حال خاطره تمام آن فداکاری ها و از جان گذشتگی ها و مبارزات قهرمانانه را بزرگ می داریم و به همگی آن قهرمانان درود می فرستیم.

شهر پرور ۱۳ آبان، پایه نمایش گذاشتن درنده خوئی ارتش آریاسمیری دست پرورده آمریکا و سازش ناپذیر خلق به پا خاسته جای ویژه ای را در تاریخ این مبارزات به خود اختصاص داد. در این روز جنازه استاد شهید از محل بیمارستان به سوی بیست زهرا حمل شد.

پیش از آغاز تشییع جنازه، کرم سنجانی و چند تن دیگر از لیبرال های جبهه ملی سخنرانی کردند و کوشش به عمل آوردند تا از این موقعیت برای تشییع خود کسب وجهه برای جبهه ملی بهره برداری کنند. ولی مردم که سرشار از روحیه مبارزاتی بودند، بی اعتنا به نصایح رهبران جبهه ملی، بیکار چه علیه رژیم و تسلیم طلبان شعار می دادند و هنگامی که در زحش - این جبهه شناخته شده آمریکا - می خواست با حمایت لیبرال ها سخنرانی کند، او را از پشت تریبون به زیر کشیدند. در حین راهپیمایی مردم به جای تکرار شعارهای محافظه کارانه و سازشکارانه جبهه ملی، شعارهای سازبان چریکهای فدائی خلق

یک سال از شهادت کامران نجات الهی، استاد جوان و مبارز دانشگاه می گذرد. در آذرماه سال ۱۳۵۷ به منظور مقابله با دولت آمریکا، بختیاز که مذبح جانسختی تلاش می کرد با بستن دانشگاه ها از گسترش مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک مردم میهن - مستأجل گیری کند، استادان مبارز دانشگاه دست به تحمیل کردند. دبیرخانه دانشگاه محسن تحصن استادان با شعار "آزادی آذین" دانشگاه، این سنگر آزادی آذین شده بود. دولت بختیاز اقدام به محاصره دبیرخانه کرد و از بیوسن دیگر گروه های استادان - محصلین معانعت به عمل آورد. این عده به ناگزیر در ساختمان وزارت علوم منحصر شدند. در همین محل بود که دکتر کامران نجات الهی مورد اصابت گلوله قرار گرفت و به شهادت رسید.

شهادت نجات الهی به نفع مردم از رژیم شاه و بختیار عمقی نازه داد. تا آنجا که مراسم تشییع جنازه کامران نجات الهی به صورت یکی از روزهای خویسن مبارزات مردم درآمد و همانند ۱۷

دو خبر از ترکمن صحرا

اعلامیه افشاگرانه کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن درباره تبلیغات عوام فریبانه حزب توده.

پیام ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا و کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن به خلق های قهرمان ایران.

کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن در اعلامیه دیگری تحت عنوان "دشمن و جنگ آفرین حزب توده در ترکمن صحرا" تبلیغات عوام فریبانه حزب توده را افشاء کرده و چنین نوشته است: "حزب توده که درست بعد از آرام شدن و بی خطر شدن اوضاع و احوال ترکمن صحرا آرام آرام، فرصت طلبانه از سوراخ سربسرون آورده، در طی فعالیت چند هفته ای خود همواره به عناوین مختلف سعی در محکوم کردن مبارزات خلق ترکمن و دهقانان و زحمتکشان روستا نمود ما است، موضع گیری های حزب توده در منطقه ترکمن صحرا عملاً آن را در کنار غاصبین، زمین داران بزرگ و سرمایه داران وابسته قرار داده و مداح سینه چاک مرتجعین کرده است."

در این اعلامیه آمده است: "حزب توده به عنوان بلندگوی ارتجاع می خواهد اذهان توده ها را برای سرکوب خلق مبارز ترکمن آماده سازد و محیط را برای جنگ فراهم نماید."

ترکمن صحرا ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا و کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن در اعلامیه مشترکی برای خلق های قهرمان و مبارزان ایران پیامی فرستادند، در این پیام آمده است: "مردم مبارز ایران! روی سخنمان با شماست، زمانی که روستائیان و زحمتکشان ترکمن صحرا تحت نظارت و مدیریت شوراهای مردمی با جدیت و کوشش به کشت زمین های باز پس گرفته خود پرداختند و می خواهند با کشت صحیح آنچنان افزایشی در تولید گندم کشورمان ایجاد کنند که مشتی محکم بردهان یازده گویان غاصب بکوبند، سرمایه داران و زمین داران بزرگ و غاصبین که مرگ خویش را نزدیک می بینند، به انواع حیله ها و توطئه ها متوسل گردیده و در سرتاسر منطقه دست به حمله به زحمتکشان و کشتار آنها زده و سعی در آرام جلوه دادن منطقه می نمایند. آنها می خواهند با این قبیل حرکات خود، مردم ترکمن صحرا را به جنگی تحمیلی بکشاند و از جانب دیگر دولت زاپه سرکوب خلق ترکمن متقاعد سازند."

بقیه از صفحه ۱

شوراهای در جهت قطع وابستگی...

ایرانی پیدانشد آن وقت فکر دیگری می کنیم. هیئت مدیره به ناچار به این خواست شوران می دهد. سپس شورادر روزنامه آگهی می کند که کارخانه ماشین سازی را که به کارشناسان و مهندسی ایرانی جهت جایگزینی مهندسی و کارشناسان خارجی نیازمند است، با آمدن مهندسی ایرانی و استخدام آنها در روز ۲۰ آبان ماه هیئت مدیره اعلام می کند که کارشناسان خارجی اخراج و به جای آنها مهندسی ایرانی استخدام شده اند. به این ترتیب هیئت مدیره به خواست کارگران تن می دهد و شوراکام اولیسه و پیروزمندانای در جهت قطع وابستگی بر می دارد.

البته در تمام این موارد ما شاهد کارکنی ها و دسیسه های کارفرما وزارت کار و دولت که پس از قیام همواره از سرمایه داران وابسته پشتیبانی می نمودند، ما می بینیم. مثلاً ما شاهد بودیم که چگونه استاندار خوزستان در بار آمدنی دستور انحلال شورای اسلامی کارکنان شرکت حفاری "سدکو-ایران" را داد. ما شاهد بودیم که چگونه استاندار خوزستان با بسیج نیروهای نظامی دستور اخراج کردن وسایل شرکت حفاری ستانف از خوزستان و بازگیری آنها به کشتی ها برای حمل به خاراج از کشور و پس دادن آنها به کشورهای امپریالیستی را داد. در حالی که شورای کارگران شرکت حفاری با جمله است:

صلح دمکراتیک در کردستان باید به نفع زحمتکشان ایران برقرار شود



قبلیات قوطه گرانه توده ایها علیه دهقانان زحمتکش ترکمن صحرا

اخیرا در شماره های متعدد روزنامه "مردم" دأئامه دارهای مکرری به چشم می خوردند که بر این که ضد انقلاب درگنبد توطئه می کند و ترکمن صحرا آبستن فاجعه است. روزی نیست که روزنامه "مردم" با تیترهای درشت از اوضاع انفجار آمیز گرگان و دشت چیزی ننویسد و پرده از فعالیت های "ضدانقلاب" بردارد.

ببینیم باز چه شده که فغان "توده های ها" را این چنین به آسمان برده است و ببینیم چرا اصطلاح روزنامه های دیگر حتی "جمهوری اسلامی" و "انقلاب اسلامی" و... نتنها هیچ نشانی از این توطئه های "هولناک" به چشم نمی خورد بلکه رادیو ایران گزارش کامل کنگره شوراها را دهقانی ترکمن صحرا را پخش می کند.

ماجرای این قرار است که با ورود هیئت منفرد وزارت کشاورزی به منطقه همکاری این هیئت با ستاد شوراها ترکمن صحرا اقدامات جدی در زمینه انتقال زمین های غصبی به دهقانان و صدور اسناد مالکیت به نام آنان و لغو اسناد مالکیت، زمین داران بزرگ به وحشت افتاده اند که میاد زمین هایشان را بگیرند و به دهقانان بدهند.

ماجرای این قرار است که بسیاری از "توده های ها" که بعد از کودتای ۲۸ مرداد توکوری رژیم شاه را پذیرفته و به دربار و دستگاه راه یافته اند، درازای خوش خدمتی های خود، قطعات چند صد هکتاری از زمین های لر بی دهقانان را به عنوان پاداش از دست "آریامهر" دریافت داشته اند. مثلا "جعفر بای" که سالها عضو حزب توده بوده است، یکی از بزرگترین زمین داران به حساب می آید که

تهداد منطقه "سدوشمگیر" ۲۰۰۰ هکتار از بهترین زمین های کشاورزان را با زور تصاحب کرده است. این "توده های ها" که با خیانت به خلق و با خدمتگزاری به دربار پهلوی درگنبد زمین های دهقانان را از چنگشان بیرون آورده اند، اکنون چون می بینند زمانه عوض شده و دهقانان به چنان قدرتی دست یافته اند که با ابطال اسناد مالکیت زمین داران بزرگ وزارت کشاورزی سند مالکیت خود را دریافت می کنند، از کوره به در رفته تلاش می کنند تا با گل آلود کردن آب هر طور شده زمین های خود را حفظ کنند.

"حزب توده" بیش از هر چیز از این ناراحت است که چرا وزارت کشاورزی و ستاد شوراها درگنبد زمین هایی بیش از ۱۰۰ هکتار را ضبط می کنند.

"حزب توده" که در حریف همیشه سنگ "انقلاب" را به سینه می زند، وقتی پای عمل انقلابی پیش می آید، مطابق همیشه جاب ضد انقلاب را می گیرد و در پوشش انقلاب می خواهد کاری کند که نگذارا اکنون که وزارت کشاورزی که بالاخره به خواست دهقانان تن داده و قرار بر این شده که زمین ها تقسیم شود، این کار انجام پذیرد. هیچ بزرگ مالکی و هیچ مقاطعه کاری به سادگی تن به چنین سیاسی نخواهد داد.

سرمایه داران و زمین داران "توده ای" باید بدانند که هر قدر علیه دهقانان و زحمتکشان متحد شوند و هر قدر در روزنامه "مردم" عوام فریبی، تبلیغات ضد انقلابی و جارو جنجال به راه بیندازند، اما مبارزات مردم به آنجا رسیده است که چه خواهند و چه خواهند زمین های گنبد از چنگشان به در خواهد آمد و به دهقانان زحمتکش خواهد رسید.

بازرگان می خواهد ارتش شاهنشاهی را...

بقیه از صفحه ۸

دریست مطیع فرمان شاه و امپریالیسم بودند دلیل طرد آنان نمی شود، چون لازمه وظیفه یک افسر اطاعت از مافوق خود است. همانطور که وظیفه یک معلم درس دادن در چارچوب برنامه طرح ریزی شده است. نه تنها در ارتش بلکه کارمندان کلیه سازمان های دولتی نیز مطیع دستور رژیم بودند. پلی، آقای بازرگان با این مقایسه غلطشان آب تطهیر بر سر آن ها که گلوله هایشان را بر مردم نشانه رفته اند می بزنند و با قید این موضوع که اطاعت از مافوق امری شرعی است، پرسنل را با رد پیکر به اطاعت از فرماندهان یعنی مزدورانی نظیر شاکر ها فلاحی ها و باقری ها و... دعوت می کند.

آقای بازرگان این را شنیده اند که برخی گروه های سیاسی مترقی و پرسنل انقلابی پس از انقلاب سخن از انحلال ارتش به میان آورده اند. اما هرگز منافشان ایجاب نمی کنند که به شناخت

بیشتر این مفهوم یعنی "انحلال ارتش" بپردازند. پرسنل انقلابی بارها تاکید کرده هدف از انحلال ارتش هرگز انهدام آن نبوده است. بلکه درهم شکستن سیستم حاکم بر اداره ارتش و شکل سازمانی آن و ایجاد ارتشی متشکل از مردم و نیروهای انقلابی و پرسنلی که در رژیم گذشته دستشان به جیبی آلوده نیست می باشد. اما آقای بازرگان با تحریف این مسئله می خواهند برای خود به قیمت نگه داشتن ضد اطلاعاتی ها و فرماندهان مزدور برای خود و پارانسان همدار دس: و پاکند و چاق سرکوب برای مردم را در جهت منافع خود حفظ نمایند. پرسنل انقلابی بار دیگر تاکید می کند.

اینکه که محصول قیام پیروز مندمان این حداقل رشد سیاسی مان بوده است، دیگر هرگز حاضر نیستیم با وضع سابق نادانسته از فرماندهان اطاعت کنیم و تا کسب حقوق حقه مان از پای نخواهیم نشست.

دادگاه لاهه و شورای امنیت مؤسساتی در خدمت امپریالیسم امریکا

سرمایه داری جهانی تاسیس یافته است. این دادگاه در حقیقت همانند سایر ابزارهای مشابه، برای اعمال فشار و ارباب خلق های تحت سلطه سازمان یافته است. اکثریت آرای دادگاه لاهه و سازمان های حقوقی بین المللی نظیر آن، در حقیقت آراء امپریالیسم و متحدین آن است و تنها تبلیغات امپریالیسم جهانی و طبقه سرمایه دار وابسته به آن در کشورهای وابسته، بدان آب و رنگ عدالت طلبانه ای داده است. از این رو خلق های جهان برای رای دادگاه لاهه ارزشی قائل نیستند.

تشکیل فرمایشی دادگاه لاهه که قاضی انگلیسی تانی ریاست آن را بر عهده داشت و بنا به شکایت امپریالیسم امریکان تشکیل شد. با رای صادره به تاریخ ۲۴ آذر ماه علیه مردم ایران که "به اتفاق آرا" صادر شد، در حقیقت به غارت ها و کشتارهای امپریالیسم امریکادر میهن ماحصه گذاشت.

دادگاه لاهه با محکوم کردن خلق قهرمان ایران به صدای بلند اعلام داشت که از سلطه غارتگرانه امپریالیسم امریکادر میهن ماکه مرگ تشریحی صدها هزار زحمتکش ایرانی و قهر و بیمه سارت زینی سوادی و خاندان به نوبت میلیونها تن زحمتکش ایرانی را به دنبال داشته است. حمایت می کند از همین روستا که توده های قیام کننده میهن ما با نفرت و بیژاری به دادگاه لاهه می نگرند و برای رای آن هیچ ارزشی قائل نیستند.

قراردارند و به گونه ای ابزارهای انقیاد خلق های هستند که برای رهائی از سلطه امپریالیسم مبارزه می کنند. ۳۳ سال فعالیت این سازمان ها تنها این راه اثبات می رساند که پیوسته علیه مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلق های سراسر جهان متورود استفاده قرار گرفته اند. هر چند پس از گذشت ۳۳ سال از تاریخ ایجاد این سازمان ها، تناسب قوا به نفع ملل ازبند رسته در حال تغییر است ولی هنوز امپریالیسم جهانی به سرکردگی امریکا با متحدین خود رهبری این سازمان های بین المللی را در اختیار دارد. مثلا در شورای امنیت از ۵ عضو دائمی آن، سه دولت امریکا، انگلیس و فرانسه با داشتن "حق وتو" منافع امپریالیسم امریکارا در هر منازعه ای که ایجاد جهانی می یابد، تامین می کند.

تظلمانه هایی هم که تحت فشار خلق های نفع مبارزات صدامریالیستی ندرتاز این مجامع بین المللی صادر شده است - نظیر قطعنامه درباره فلسطین - عملا هیچگونه ضمانت اجزائی نداشته و پوششی برای جنایت های امپریالیسم جهانی بوده است.

دادگاه لاهه نیز به عنوان یک نهادی در خدمت همان نقش را دارا است که دادگاهها در یک جامعه سرمایه داری برای ادامه تسلط سرگران بر ستمکشان دارند. با این نثاروت که فعالیت دادگاه لاهه در عرصه بین المللی است و برای تنظیم روابط بین ملل به سود

امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم امریکاکه هنوز بر قسمت های وسیعی از جهان سلطه خود را گسترده است برای حفظ و تداوم حیات خود در صحنه جهانی ابزارهای گوناگونی در اختیار دارد.

کارتل ها و تراست ها و انحصارات سرمایه داری جهانی از طریق پیوندی که با اقتصاد کشورهای تحت سلطه آسیا و آفریقا و امریکای لاتین دارند و بر زمین وجود نظام سرمایه داری که با هزاران رشته با امپریالیسم جهانی به سرکردگی امریکا پیوند دارد، بقای سلطه گرانه خود را تامین می کند.

دولت های وابسته به امپریالیسم با پیشرفته ترین سیستم ها و نهاد های سرکوب، حافظ منافع امپریالیسم جهانی و طبقه سرمایه دار شریک آن است و سازمان های حاسوسی با ایجاد جبهایی، دستگاه های حقوقی و سیاسی بین المللی به متاسفانه ابزارهایی برای پاسداری از منافع امپریالیسم در ایجاد بین المللی سازمان یافته اند.

این سازمان ها در سطح بین المللی همچون دستگاه های قانون گذاری و دادگاه های یک دولت سرمایه داری برای اعمال نفوذ و تحکیم سلطه امپریالیسم جهانی به خدمت ترفته می شوند. در حقیقت دستگاه های نظیر شورای امنیت و دادگاه لاهه و سازمان ملل، عملا دوسساتی هستند که در خدمت ساقط انحصارات و سرمایه داران جهان

سال ۱۹۸۵ سال آزاد شدن ال سالوادور خواهد بود

این جنبش پشتیبانی می کنند. همه ما مضمم شده ایم پیروز یا کشته شویم. کارگران اعتصابی کارخانه نساجی ال سالوادور که مسلح هستند پنحشنه گذشته، ۲۰۰ نفر را به کروگان گرفتند تا کار فرمایان را وادار کنند حقوقشان را افزایش دهند و هربران ایجاد بهایشان را که دستگیر شده بودند آزاد نمایند.

ارو اعلام داشت "با سرمشق از مبارزات خلق نیکاراگوئه علیه نظامیانی که در ال سالوادور حکومت می کنند، و قهر و کرسنگی و بدبختی نتیجه حکومت آنهاست، تا آخر مبارزه خواهیم کرد. جنبش های مختلف آزادی بخش ال سالوادور بیک وارد پیروست و جدت شده اند و چهار میلیون اهالی ال سالوادور که زیر یوغ ملاکین بزرگ رنج می برند، از تمام

ال سالوادور "اسلمو" یکی از فرماندهان برجسته جنبش چریکی ال سالوادور اعلام داشت که سال ۱۹۸۵ سال آزاد شدن ال سالوادور خواهد بود. "اسلمو" فرمانده "جبهه جان رهائی ملی ال سالوادور" است. او در تودش چریک های ساند نیست علی برزیم سوموزا در نیکاراگوئه می جنگد و اینک مبارزه چریکی جبهه خلقی را در ال سالوادور رهبری می کند.

قسمتی از اعلامیه نموده گروهی از روزنامه نگاران و خبرنگاران بیکار

حمایت و پشتیبانی داریم. به امید پیروزی خلق های محوکامل امپریالیسم و سرسپردگان داخلی آنها و به امید روزی که مطبوعات ایران آزادی واقعی داشته باشند.

آزاد دورشان کنند. هم میهنان، نویسندگان آزاد و بیکار شده مطبوعات و کارگران بیکار شده این نشریات، چه در شریه و چه در چاپخانه ها با اینکه نشریات برای بیان حقایق و نظریات خود ندارند، اما از هر وسیله ممکن برای افشاکری استفاده خواهند برد و ما از همه شما و دیگر همکاران بیکار شده خود می خواهیم گروه های مترقی انتظار اعلام

هم میهنان با ما همصدا شوید و علیه این تحریم سیاسی و فرهنگی به پا خیزید و به دوران تأثیر تبلیغات یک جانبه، سد ام از خودتان بپرسید "چرا این همه ستم و فشار؟ چرا این همه بیکاری، چرا حفظ نظام سرمایه داری و دهن کجی به زحمتکشان ایران؟ چرا، چرا، چرا؟ و آن وقت متوجه می شوید که چرا می خواهند صدای نویسندگان متعدد را ببردند و از صحنه مبارزات علنی در مطبوعات

زمین از آن کسانی است که روی آن کار می کنند

بایکسازی انقلابی کارخانه‌ها، مبارزه ضد امپریالیستی را ارتقاء دهیم

چند خبر کوتاه کارگری

پیروزی کارگران "حریز" نتیجه اتحاد انقلابی آنهاست

کارگران ۳۵ نفر از کارگران راه آهن که تمام این اخراج‌ها را برپوش "مواد اولیه موجود نیست" صورت می‌گرفت. مداخله پاسداران، زاندار میز و نمایندگان وزارت کار و عوامفریبی های کمیته نتوانست در ادامه کارگران خللی ایجاد کند. کارگران با اتحاد خود در تاریخ ۱۵ آذرماه ۵۸ ده نفر از کارگران اخراجی راه کار بازگرداندند.

کارگران کارخانه حریر تصمیم به تشکیل شورا گرفتند. کارفرمای کارخانه (مدنی) برای جلوگیری از حرکت کارگران اقدام به اخراج ۵۸ نفر از کارگران به تاریخ ۱۱ آذر ۵۸ گرفت تا از این طریق مانع ایجاد شورا گردد. تداوم مبارزه کارگران برای تشکیل شورا و بازگشت کارگران اخراجی منجر به عکس العمل مجدد کارفرما گردید و در تاریخ ۱۵ آذرماه ۵۸ ده نفر از کارگران را اخراج نمود. مبارزه

خبرتاسف باری از بایشگاه تهران

ازدوری کارگر بایشگاه تهران بعد از ۳۹ سال کار طاقت فرسا قبل از آن که به مرحله بازنشستی برسند، در حین بازگشت از کار در اثر

فرسودگی شدید فوت کرد. سیستم سرمایه داری تا شیره خان کارگر را نمکدواران خواهد کرد.

یاد علی مرادی کارگر رزمنده

بندر خمینی (شاهپور سابق) گرامی باد

و به همین منظور و به بهترین نیروی خود را برای ارتقاء آگاهی و دانش کارگران به کار برد تا آنها را متشکل گرداند. زیرا همواره اعتقادش بر این بود که تنها در اتحاد و تشکل است که کارگران می‌توانند به حقوق پایمال شده خویش دست یابند. ما خاطره علی مرادی کارگر رزمنده جنوب را گرامی می‌داریم

علی مرادی کارگر مبارز اداره بندر خمینی در یک حادثه ناگوار جان سپرد و یادش برای تمام کارگرانی که اورا می‌شناختند در خاطره‌ها جاودان ماند. علی فرزندان کارورنج بود. علی نمونه یک کارگر مبارز بود که همواره در دوغش رهایی طبقه کارگران قید استثمار را ز الوصفتانی بود که عمری حاصل کارشان را به غارت می‌بردند.

کارگران آگاه چیت ممتاز

مجمع عمومی شورای فرمایشی را

بدادگاهی علیه کارفرما تبدیل کردند

در تاریخ ۱۹ آذرماه ۵۸ که شورای فرمایشی چیت ممتاز برای فریب کارگران و عوامفریبی تشکیل شده بود به وسیله کارگران آگاه تبدیل به جلسه محاکمه آنها گردید. کارگران آگاه با ارائه مدارکی پرده‌ازدزدی مقدم مدیر

عامل شرکت و همکاری نمایندگان شورا با کارفرما برداشتند. مدارک آن قدر مستدل و محکم بود که کارفرما و نمایندگان سازشکار شورا نتوانستند زیر پوشش اسلام و صلوات خود رانجات دهند.

اقدام قاطعانه

کارگران "شرکت بارنویس بنادر" خرمشهر

"از آنجا که مبارزه با سرمایه داری وابسته را بخشی از مبارزات بایکسازی امپریالیسم می‌دانیم، لذا در تاریخ ۱۸ آذر ۵۸ جهت تحقق خواستهای خویش و خلع ید از سرمایه داران وابسته به رژیم قبلی و ایجاد آنها در خطوط کشتیرانی، دست به تحمیل در شرکت بارنویسی زده و مدیرعامل و عده‌ای از کارکنان را در محل خود به گروگان می‌گیریم." در برابر اقدام قاطعانه کارگران عذروپنهان‌های دلالتان و پادوان انحصارهای جهانی بی‌شمر گردید و آنها مجبور شدند خواسته‌های برحق کارگران را بپذیرند.

خوزستان - کارگران "شرکت بارنویس بنادر" خرمشهر، در اعتراض به بی‌توجهی مقامات دولتی به مطالبات برحق آنان و در ادامه مبارزه با سرمایه داری وابسته به امپریالیسم دست به اقدامی انقلابی زدند. آنها در تاریخ ۱۸ آذر ۵۸ با گروگان گیری مدیرعامل شرکت، همراه با ۲۵ نفر از مدیران و سهام داران شرکت‌های کشتیرانی، به این بی‌توجهی پاسخ دادند. در قطعنامه‌ای که از طرف شورای کارگران به دنبال این اقدام صادر شد، آمده است.

راه آهن علیه رژیم شاه و اربابان امپریالیستی اش بیش از قیام آغاز نموده‌اند. این مبارزه ضد امپریالیستی بیش از هر چیز با تقویت قدرت شوراهای کارگری و پاکسازی انقلابی مزدوران و سرسپردگان از کارخانه‌ها تداوم و گسترش می‌یابد. این خواست حق طلبانه و انقلابی کارگران در طی تمام ۹ ماهه بعد از قیام به دنبال انتصاب عناصر ضد کارگری همواره مطرح بوده است. سازشکاران و به ویژه لیبرال‌ها به جای برآوردن این خواست‌های انقلابی "خنثیری" را برداشته و به جای عنصر دیگری به تمام "نظام الدین موحد" راه ریاست می‌گذارند تا با عیوض عناصر مدیریت به خواست انقلابی و برحق کارگران مبنی بر تضمین مسئولیت شورائی کارگران تن در ندهند. علاوه بر این کارگران خواهان پاکسازی و تصفیه انقلابی عناصر سرسپرده و مزدور، پاداش شش ماه اول سال، وام مسکن شصت ۴۰ ساعت کار در هفته و تعطیل پنجشنبه‌ها، پرداخت تفاوت مزایای شغلی از خدمات به قبی، بهداشت محیط کار و سوزاری و مدرنیزه کردن راه آهن هستند. در پاسخ این خواست‌ها گفته می‌شود که:

"مادر حال مبارزه ضد امپریالیستی هستیم. طرح این خواسته‌ها دولت را تضعیف می‌کند و آب به آسیاب ضدانقلاب می‌ریزد."

ما می‌گوئیم واقعا چه کسانی مبارزه ضد امپریالیستی راه پیش می‌برند و چه کسانی آن راه بیراهه می‌کشند. چه کسانی با اخراج سرسپردگان امپریالیسم، ساواکی‌های مزدور و کسانی که سالها کاری جز خیانت نداشته و ندارند، مخالفند؟ آیا پاکسازی و تصفیه عناصر ضد کارگری دولت را تضعیف می‌کند؟ آیا پرداخت حق پاداش و اضافه کاری به کارگران قدرت مالی امپریالیسم تقویت می‌شود؟ آیا این چنین منطقی منطق خادمان امپریالیست نیست؟ ما می‌گوئیم اجازه فعالیت دادن به عوامل سرسپرده سازشکار و تصفیه نکردنشان آب به آسیاب امپریالیسم ریختن است. پرداخت حقوق‌های کلان به این مزدوران تقویت امپریالیسم است و مبارزه ضد امپریالیستی خلق‌ها را از محتوا خالی کرده و آن را به بیراهه می‌کشند. کارگران مبارز انقلابی شان در جریان قیام و ساواکی‌ها به نقش ارزنده شان در مبارزات ضد امپریالیستی، لزوم مبارزه متشکل و آگاهانه حول شورای کارگری رادریک نموده و با مبارزه پیگیرانه و یکپارچه خود در جهت افشای و تصفیه انقلابی عوامل مزدور و احقاق حقوق صنفی شان مبارزه واقعی ضد امپریالیستی را گسترش می‌دهند

مورد نیاز را حمل کند. در آن واحد هم اعتصاب نفتگران قهرمان و هم اعتصاب سراسری راه آهن را درهم بشکنند. مذاکرات و پیشنهادات مهندس بازرگان و توصیه‌ها و فتوای آیت الله شریعتمداری به هیچ وجه نتوانست شورای کارگران راه آهن را از راه درست و انقلابی اش منحرف نماید و تصمیم گرفته شد که تا آنجا که کوچکترین لطمه‌ای به اعتصاب نفت و راه آهن نرسد، در این مورد اقدام نموده و تنها یک قطار حامل نفت که در شروع اعتصابات در بین راه خرمشهر - تهران متوقف مانده بود، به تهران فرستاده شود.

شورای کارگران راه آهن همچنین آگاهانه توطئه امپریالیستی دیگری را خنثی نمود. رژیم شایع کرده بود که تهران به گندم نیاز مبرمی دارد و لازم است چندین واگن گندم به تهران ارسال شود. در حالی که واقعیت این بود که ارتش و ضد خلقی شاه می‌خواست اسلحه و مهمات و توپ و تانک به تهران انتقال دهد.

گلوله به جای نان برای مردم مبارز تهران، کارگران آگاه راه آهن این توطئه را زیر پا گذاشتند. همچنین وقتی که در اثر فقدان ذغال سنگ کوره بلند ذوب آهن در خطر ضایع شدن قرار گرفت، شورای کارگران راه آهن به اتکای متشکل و یکپارچه و با ارسال به موقع ذغال سنگ، ذوب آهن را از خطر انهدام رها کرد. در پی این مبارزات شورا بارها شایستگی رادریک را در امور و تصمیم گیری‌های اصولی بر اساس منافع کارگران و جنبش انقلابی نشان داد. اما آقای

بازرگان "نخست وزیر منتخب امام" در اولین فرصت (۲۰ روز پس از قیام شکوهمند و خونین بهمن ماه) با انتصاب مهندس حبیبی (ابن مهره امپریالیسم امریکائیز) امریکائی‌ها به مناسبت خوش خدمتی‌هایش نشان لیاقت گرفته بود) به ریاست راه آهن عملاً مسئولیت شورائی کارگران را نگی کرده و آب سردی بر شش مبارزه جوانه آنان ریخت تا مبارزه کارگران رادریک تصفیه عناصر سرسپرده و سازشکار اداره راه آهن توسط شورای کارگران به بیراهه کشاند. تمام مهره‌هایی که در طول مبارزه توسط خود کارگران از راه آهن و به ویژه از کارخانجات اخراج شده بودند و تمام ساواکی‌هایی که توسط کارگران شناسائی شده اند، مجدداً به کار گرفته شدند و پولی که می‌بایست برای پرداخت اضافه کاری و پاداش شش ماهه اول سال کارگران پرداخت شود، به جیب این مزدوران ریخته می‌شود در حال حاضر پاکسازی انقلابی کلیه عناصر ساواکی و سرسپردگان امپریالیسم ادامه همان مبارزاتی است که کارگران مبارز

راه آهن دولتی ایران به عنوان یک موسسه عظیم ارتباطی و حمل و نقل بایش از ۳۵ هزار کارگر و کارمند در سراسر ایران و به مثابه یکی از شریان‌های حیاتی اقتصاد کشور، از موقعیت مهمی برخوردار است. راه آهن در راس همه موسسات حمل و نقل موجود در ایران صرف نظر از جنبه صرف خدماتی اش در حمل و نقل و ارتباطات، از نظر استراتژیک و نقشی که در حیات سیاسی جامعه می‌تواند داشته باشد، حائز اهمیت فراوانی است. شرکت فعالانه و یکپارچه کارگران مبارز راه آهن در اعتصابات همگانی در جریان قیام که سیستم حمل و نقل ارتش را از نظر سوخت و تسلیحات فلج نموده و تحرک نیروهای سرکوبگر رژیم شاه را به حداقل رسانید، اهمیت استراتژیک این رشته را در ضربه زدن به رژیم به خوبی نشان داده است. کارگران رزمنده و پیشرو راه آهن در جریان قیام در یافتند که راه آهن یکی از سنگ‌های مبارزاتی ضد امپریالیستی است. کارگران مبارزین از آنکه در نیمه دیماه ۵۸ به متشکل‌ترین مبارزه خود علیه رژیم شاه دست زدند، با درگاه اهمیت مبارزه خود و ضرورت پیگیری و سازش ناپذیری هر چه بیشتر به تشکیل "کمیته اعتصاب همت گماشتند. هنوز کارگران راه آهن طنین صدای یکی از یاران مبارز خود را به یاد دارند که در حلقه محاصره پلیس و ماموران حکومت نظامی فریاد می‌زد:

"بایلیس و ارتش مزدور شاه و امپریالیسم هیچ سازش و مسالمتی نداریم. مبارزه تا پیروزی کامل ادامه خواهد داشت."

در همان روزهای اول کارگران به شیوه‌ای انقلابی کلیه عناصر سرسپرده و مزدور و ضد کارگر را بیرون ریختند. پس از یک هفته "کمیته اعتصاب" در جریان تکامل خود تبدیل به شورای منتخب کارگران راه آهن گردید که با ۵۷ نماینده از بخش‌های مختلف راه آهن از حمایت فعال و بی‌چون و چرای کلیه کارگران برخوردار بود. این شورا از بدو تشکیلش فعالانه در جهت سازماندهی و رهبری کارگران گوشید و مبارزه را از درون کارخانجات به خیابان‌ها و به میان مردم و در کنار دیگر همسنگران زحمتکش خویش کشانید. عملکرد شورا چه در رابطه با خلع ید از روسا و مدیران سرسپرده و چه از لحاظ رهبری و جهت دادن به مبارزه کارگران، ستی ضد امپریالیستی داشت. اما

بورژوا لیبرال‌ها و سرسپردگان سازشکار آن که ادعای ضد امپریالیست بودن هم داشتند از ترس این که مبادا گسترش اعتصابات کارگری رشته کارها را از دستشان خارج کند به دست و پا افتاده سعی نمودند تحت این عنوان که "مردم به نفت احتیاج دارند و راه آهن می‌بایست نفت



مبارزات زحمتکشان ارمنه

شده بود که صاحب آن اتفاقاً همان سردبیر روزنامه الیک از آب درمی آید. زن توضیح داد که چاقو کشان حزب فاشیستی داشناکسیون که سردبیر روزنامه الیک عضو کمیته مرکزی آن است در روز پیش با هجوم به خانه مذکور اثاثیه زن را به خیابان ریخته اند. کارگردگری در مورد عضو دیگری از اعضا، شورای خلیفه گری به نام ویگن گورگیان دست به افشاکاری زد. ویگن گورگیان که صاحب ۴ کارخانه صنعتی می باشد و مالک هنگفتی حاصل دسترنج کارگران را غارت می کند از جمله مقداری از حقوق و مزایای کارگر مذکور را پرداخت نکرده و یکسال ونیم دوندگی این کارگر به جایی نرسیده است.

به این ترتیب در اجتماع روز دوشنبه مردم ضمن افشاکاری از ماهیت شورای خلیفه گری وابستگی آن را به حزب داشناکسیون که مدافع سرمایه داران وابسته است، محکوم نمودند. (شاپان ذکر است که حزب مذکور در زمان دیکتاتوری شاه همکاری های چشمگیری با ساواک و سپاه داشت. در ایران و سایر کشورهای مانند سوریه، مصر، لبنان فعالیت داشته و علیه منافع زحمتکشان ارمنی و در اختلاف با بورژوازی وابسته و حکومت های ارتجاعی عمل می نموده است و بالطبع اکنون نیز همین فعالیت ها ادامه دارد.)

همزمان با انجام این افشاکاری ها حزب فاشیستی داشناکسیون بیکار نموده و با بلندگو و به صد آ در آوردن ناقوس ها و با اعلان های دروغین مبنی بر این که عده ای از ترک ها به کلیسا حمله کرده و اسقف اعظم را به گروگان گرفته اند احساسات مردم را تحریک نمودند و مردم ناگاه راه صحن کلیسا آوردند. همراه مردم حدود ۲۰۰ تن از قهقه کشان و اراذل وابسته به داشناکسیون که به کمک معاقل ارتجاعی مسلح به یوزی و کلت هستند به مردم زحمتکش حمله کردند. طبق خبرهای رسیده قهقه کشان از روزهای پیش در کلوب ارمنه نقشه حمله به جمعیت زحمتکشان را ریخته بودند. به همین دلیل اقدام فاشیستی آنها فقط به روز دوشنبه محدود نشد و در روزهای بعد به انجمن آرمین و هزاران نیز پورش بردند و بخدا از مجروح نمودن عده ای کلیه وسایل موجود در انجمن هارا شکستند و با برداشتن لیست اعضای انجمن های مذکور، فراگرداند. اکنون زحمتکشان ارمنی به ویژه بعد از مشاهده عینی این اقدامات جنایت آمیز از سوی حزب مذکور و شورای خلیفه گری وابسته به آن هر چه بیشتر در مبارزات خود مصمم شده اند و همچنان خواستار انجیل شورای سرمایه داران و انجام انتخابات آزاد هستند و پشتیبانی هیئت حاکمه ارتجاعی را از سرمایه داران ارمنی محکوم می کنند.

پرتوان باد مبارزات همه زحمتکشان خلیق

پرتوان باد مبارزات همه زحمتکشان خلیق

کارگران و سایر زحمتکشان ارمنی مانند خلق های تحت ستم ایران از سبب مضاء مضاف رنج می برند. آنان مانند سایر زحمتکشان با درآمد ناچیز و باحتی با وجود بیکاری های طولانی مجبور به تحمل مخارج و شهریه مدارس کودکانشان و غیره می باشند و این فقط در شرایطی است که شورای خلیفه گری و وابستگان به کلیساها شروت های بزرگی در اختیار دارند که از رنج و خون همین زحمتکشان گسرد آمده است. زحمتکشان ارمنی دوشادوش سایر هموطنان ایرانی خود در تمام مبارزات و جنبش های مردمی به ویژه از مشروطیت تاکنون شرکت فعال داشته و شهسادی بسیاری تقدیم انقلاب نموده اند. آنها انتظار داشتند با پیروزی قیام دست سرمایه داران وابسته و زمین داران بزرگ از سرنوشت مردم کوتاه شود و در ایران آزادی و دمکراتیک به دور از هرگونه ستم و بهره کشی زندگی کنند، که چنین نشد.

در چند ماه گذشته از منبه زحمتکش مناطق مجیدیه، نارمک، زرخشو... بارها در گرد همایی های خود خواستار انحلال شورای خلیفه گری، تشکیل شوراهای واقعی متشکل از کارگران، دانشجویان و سایر زحمتکشان، از طریق انتخابات دمکراتیک بودند و برای رسیدن به خواست های خود از جمله تغییر انقلابی در متون درسی ارمنی ایجاد باشگاه، خانه، زمین کلیسا، دبیرستان در مناطق ارمنی نشین، مبارزه کرده اند.

این بار روز دوشنبه ۲۶ آذرماه ۵۸ در اطاق شورای خلیفه گری جمع شدند آنها از اعضای شوراهای خواستند تا به میانشان آمده و به سؤالاتشان پاسخ گویند. اما چون شوراهای جمعیت است از سرمایه داران که با حرف ها و دردهای مردم نا آشنا هستند و رنج های مردم را حس نمی کنند طبیعی بود که مانند گذشته با هم از حضور در میان مردم خودداری کنند. اما سرانجام وقتی با جمعیتی در حدود ۵۰۰ تن روبرو شدند اجباراً به میان آنها آمدند و با تاضی گوئی هائی که هنگام پاسخ دادن به سؤالات مردم بدان دچار شدند خود را بیشتر افشاکردند. در اجتماع روز مذکور یکی از زبان زحمتکش ضمن توضیح در مورد زندگی خود یکی از سرمایه داران ارمنی را که صاحب روزنامه الیک است افشاکرد و زن مذکور اظهار داشت که شوهرش بعد از ۳۵ سال کار در روزنامه الیک فوت کرده است. اما این روزنامه از پرداخت هرگونه حقوقی به وی و سه فرزندش امتناع ورزیده است. او اجباراً برای تامین مخارج زندگی و هزینه تحصیل فرزندانش می بایست هر روز به کارهای دشوار دست زند. امسال این شیروان بطور تصادفی و به کمک مردم خیابان میرزای شیرازی در یکی از خانه های خالی ساکن

بقیه از صفحه ۱

نقگران مبارز حفاری و مبارزات پیگیر آنان ...

برای هر روز کار در سر چاه حتی اگر هیچ گونه عملیات حفاری انجام ندهند، حدود ۱۰ هزار دلار در روز. برای ما باید هزینه های تاخیر (سورشارژ) در عملیات، هزینه ادوات، هزینه حمل تاسیسات و لوازم و پرسنل به نقاط دور افتاده، هزینه کالاهای لازم برای عملیات حفاری، هزینه کادر اضافی لازم برای عملیات و هزینه های تامین آب، نقل و انتقالات، استراحت گاه ها و تامین حفاظت را افزود. که از سوی "شرکت ملی نفت ایران" و به حساب طبقه کارگر ایران پرداخت می شد. همچنین باید اضافه کرد که این شرکت ها در واردات کالاها و تجهیزات خود از پرداخت هرگونه عوارض و مالیاتی معاف بودند و هیچ گاه هزینه خسارات را پرداخت نمی کردند و ... از اینجاست که هزینه کار حفاری بر سر یک چاه در خشکی تا ۳۵۰۰ دلار در روز می رسد. و این موجب می شده که هزینه حفاری چاه با مشخصات کامل مشابه در ایران ۱۱ برابر آمریکا باشد. در حالی که بسیاری از کالاهای ویژه نیروی انسانی مورد استعمار این شرکت ها در ایران، خیلی ارزان تر از آمریکا بود. ارقام، شاه در مورد چاه های دریائی، غارتگری امپریالیسم از منافع نفتی میهن ما و شدت استعمار از طبقه کارگر ایران را به گونه وحشتناک تری نشان می دهد.

حربان غارت و بهره کشی شرکت های امپریالیستی حفاری و خدمات جنبی در ایران چنان عریان است که فقط کافی است نگاهی به جدول زیر بیندازیم.

نام شرکت	تعداد کل دارائی اولیه (دلار)	کل دارائی اولیه (دلار)	درآمد در سال (دلار)
سدکو	۸	۱۴۰۰۰۰۰۰	۳۴۲۲۴۴۵۴۹
ریدینگ اند بیسی	۵	۱۴۰۰۰۰۰۰	۲۰۰۰۰۰۰۰
ایرانوی ریدینگ اند بیسی	۴	۱۵۰۰۰۰۰۰	۲۴۲۲۴۴۵۴۹
سانتافه	۶	۱۸۰۰۰۰۰۰	۲۴۲۲۴۴۵۴۹
سد ایران	۸	۲۵۰۰۰۰۰۰	۲۴۲۲۴۴۵۴۹
وسترگرن	۴	۲۴۲۲۴۴۵۴۹	۱۸۰۰۰۰۰۰

ماخذ: قراردادها و همچنین پرداخت های ماهانه شرکت نفت به شرکت های حفاری.

البته این جدول فقط عملکرد تعداد معدودی از شرکت های را که در جنوب ایران، به فعالیت های حفاری و خدمات جنبی مشغول بوده اند، نشان می دهد. بسیاری از شرکت های دیگر امپریالیستی که عمدتاً آمریکائی هستند نیز در طول سال های گذشته در جریان حفاری چاه های نفت به غارت از منابع نفت و بهره کشی از کارگران مشغول بودند. این امر موجب می شد که مثلاً در سال ۱۹۷۷ میلادی به حساب طبقه کارگر ایران مبلغ ۹۹۹۰۰۰ دلار به این شرکت ها پرداخت شود.

ادامه دارد

آوردند. البته ورود شرکت های جدید به صحنه حفاری و رقابت آنان موجب کاهش هزینه های حفاری نشد، بلکه این شرکت ها سال به سال با بستن قرارداد های جدید با شرکت نفت، دریافت های خود را افزایش می دادند. بطوریکه در عرض مدت ۱۰ سال گذشته هزینه حفاری چاه در مناطق نفت خیز بیش از ۱۰ برابر گذشته است. در حالی که دکل های حفاری شرکت های امپریالیستی در ایران پس از سال ها وابستگی رسمی استهلاک ۱۲/۵ درصد سال مستهلک می شد، ولی همچنان استفاده از آنها ادامه داشت و این خود خطرات فراوانی را در بر داشت که بطور خلاصه و از آن میان می توان به آتش گرفتن چندین چاه در سال های گذشته، از بین رفتن جان تعداد زیادی از کارگران و میلیون ها بشکه نفت و میلیاردها متر مکعب گاز اشاره کرد. حتی این شرکت ها برای سلطه هر چه بیشتر خود در امر حفاری چاه نفت در ایران، پس از سال ها که از یک دکل استفاده نمی کردند آن را به شرکت های مختلف ایرانی - خارجی به قیمت های سرسام آور می فروختند. همین حریبان موجب پیدایش شرکت های حفاری "سد ایران" و "ایرانوی ریدینگ اند بیسی" (با سرمایه ایرانی) شد. و به این ترتیب طبقه سرمایه دار ایران در مشارکت با سرمایه داری جهانی (امپریالیسم) از غارت منابع نفت و بهره کشی بی رحمانه از طبقه کارگر ایران سهم خویش را دریافت می دارد.

جرسی قرارداد های حفاری که بین "شرکت ملی نفت ایران" و این شرکت ها بسته شده، عملکرد

امپریالیسم در یک جامعه تحت سلطه راه خوسیشان می دهد. درآمد سالانه هر یک از این شرکت ها و شرکت های جنبی حفاری گاه به چند برابر ارزش اولیه کلیه وسایل و تجهیزات آنها می رسد. این شرکت ها در جریان حفر چاه در خشکی در سال ۱۳۵۶ مبلغ زیر را دریافت می داشتند. برای انتقال دکل حفاری به محل حفاری از ۴۷ هزار تا ۱۴ هزار دلار. برای حفر هر متر چاه حدود ۱۷۰ دلار و بیشتر.

بسیم آغاز شد. با انعقاد قرارداد امپریالیستی "دارسی" در سال ۱۹۶۱، انحصارات نفتی مالکیت خود را بر چاه های نفت ایران تدارک دیدند و با گسترش روابط خود آنها را کاملاً در اختیار گرفتند.

امپریالیسم انگلیس به تدریج با گسترش روز افزون عملیات خود به این نتیجه رسید که ارزان ترین نیروی کار (بدون احتیاج به هزینه های حمل و نقل، مسکن و تغذیه و...) همان نیروی کار محلی است. به این ترتیب دست به استعمار روز افزون زحمتکشان ایران زد. در دهه نخست، این نیروی کار محلی عمدتاً به وسیله قرارداد های که با شیوخ، خان ها و کدخداهای هر محل بسته می شد، مورد استعمار دو جانبه و وحشتناک قرار می گرفت. گسترش تجارت امپریالیسم از منابع نفت و افزایش نرخ بهره کشی انحصاری از کارگران ایرانی، با بیکاری و وحشتناک کارگران نفت در انکشاف و استخراج و پالایش و به ویژه در عملیات حفاری بود. تبانی امپریالیسم انگلیس و خان ها و شیوخ محلی، از یک سو سرپرستی بی چون و چواری دولت مرکزی از سوی دیگر راه را برای استعمار و حشانه کارگران باز نهاده بود. بدون این که هیچ گونه ضابطه و قانونی در سیستم نیمة مستعمره نیمه فئودال آن روز ایران برای احقاق حقوق پاهمال شده طبقه کارگر وجود داشته باشد. کارگر ایرانی به ویژه در عملیات حفاری به ابتدائی ترین و در عین حال طاقت فرساسترین کارها گمارده می شد و در گرمای سوزان تابستان جنوب و سرمایاران زمستان، در کوه ها، دره ها و صحرا های خشک به حفر چاه مشغول بود. در این جریان بیکاری کشنده بسیاری از کارگران ناقص العضو شده، یا جان خود را از دست می دادند. با همه این احوال و حتی با پائین نگاه داشتن عمدی آگاهی فنی کارگران حفاری، دیدیم که در جریان ملی شدن صنعت نفت، همین کارگران به همراه مهندسان ایرانی توانستند در کوتاه ترین مدت و مستقلاً چاه نفت و بهره کشی از غارت منابع نفت و بهره کشی از طبقه کارگر.

پس از کودتای ۲۸ مرداد و انعقاد قرارداد کنسرسیوم، امپریالیسم جهانی به خاطر گسترش بازارهای خود و رشد پروسه تراکم تولید هر روز به تعداد بیشتری چاه نفت نیاز پیدا می کرد. به این ترتیب عملیات حفاری گسترش یافت و سال به سال به تعداد دکل های حفاری افزوده شد. در رابطه با این افزایش نیاز به چاه های جدید بود که شرکت های امپریالیستی برای هجوم به مناطق نفتی ایران باید بگر به شدت رقابت می کردند. ولی شرکت حفاری بین المللی "سدکو" (که از بزرگترین شرکت های امپریالیستی حفاری در جهان است) در طول سال های دهه ۳۰، انحصار حفاری چاه های نفت در مناطق نفت خیز جنوب را در اختیار خود داشت ولی به تدریج و از اواسط دهه ۴۰، شرکت های حفاری "ریدینگ اند بیسی، سانتافه و وست برن، اینتردریل" و ده ها شرکت خدمات جنبی و وابسته به حفاری نفت به ایران هجوم

فرهنگی با امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا

بمناسبت صدمین سالگرد تولد رفیق حیدر عمو اوغلی «هرچه حیدر خان بگوید راست است»

(ستارخان)



بیگانه از مسیر رشد طبیعی بازماند و نتوانست به یک روزواری صنعتی ارتقا یابد. خصلت تجاری این روزواری رهبری آن را در پیوند هائی با امپریالیسم و فئودالیسم قرار می داد و در مبارزه با این دو ناپیکر و ناستوارش می ساخت. نتیجه ناگزیر این امر فقدان طبقه کارگر صنعتی در صدر مشروطیت ایران بود. با این همه مناسبات سرمایه داری رام آرام گسترش می یافت و طبقه کارگر ایران پایه عرصه می نهاد.

براین زمینه ایده های روزواری توسط منادیان آن در جامعه اشاعه می یابد. ادبیات انقلاب فرانسه در قالب های آشنا با فرهنگ ایرانی توسط "مستفنگ ها" و اشرفیت آشنا به تمدن غرب و علاقمند به مناسبات روزواری تبلیغ و ترویج می شود. نخستین کتاب هائی که در آن از "قانون" و "حکومت قانون" سخن می رفت انتشار می یابد و مبارزه با حکومت فئودالی هرروز ابعاد گسترده تری پیدا می کند.

روشنفکران و ترقی خواهان از آزار و تعقیب حکام در امان نمی مانند و بسیاری از آنان مجبور به مهاجرت می شوند.

پدر حیدر عمو اوغلی به خاطر داشتن عقاید مترقی مورد آزار و تعقیب حکام وقت قرار می گیرد. "حیدر" هنوز کودک بود که با خانواده خود به قفقاز مهاجرت می کند.

آشنائی با سوسیال - دمکراسی انقلابی

"حیدر عمو اوغلی" تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در قفقاز به پایان آورد و در تفلیس در رشته مهندسی برق فارغ التحصیل شد. عمو اوغلی در "تقریرات" خود می گوید: "از دوازده سالگی وارد فعالیت های سیاسی شدم."

سالهایی که حیدر عمو اوغلی در روسیه به تحصیل اشتغال داشت، جنبش کارگری و سوسیال دمکراسی انقلابی روسیه در حال اعتلاء بود. حیدر عمو اوغلی با محافل سوسیال - دمکراسی روسیه آشنا شد و فعالیت در جنبش کارگری روسیه شرکت نمود. در این زمان سوسیال دمکراسی روسیه و پیوسته سوسیال دمکرات های انقلابی قفقاز به جنبش انقلابی در حال بلوغ ایران توجه خاصی مبذول می داشتند. حضور کارگران مهاجر ایرانی در معادن قفقاز زمینه مساعدی برای فعالیت در بین ایرانیان فراهم می آورد.

حیدر عمو اوغلی در جریان آشنائی با محافل سوسیال - دمکراسی روسیه به "لنین" "گرویدو" و "انقلابیون نظیر "نریمان نریمانوف"، "اورژنیکیدزه" و "استالین" آشنا شد. رفیق حیدر عمو اوغلی در خاطرات خود از جلسات مخفی که با این انقلابیون در خانه خود تشکیل می داد سخن گفته است. در همین زمان مظفرالدین شاه و اتابک هنگام سفر مسکو، برای تاسیس کارخانه برق آستانه مشهد خواستاریک مهندس برق شدند. حیدر عمو اوغلی برای این کار در نظر گرفته شد و به خراسان آمد.

نخستین محافل سوسیال دمکراسی در ایران

همزمان با پیدائی نخستین ایده های روزواری پیشرو و ترقیخواه اندیشه های سوسیالیسم علمی نیز در بین جامعه در حال تحول میهن ما جوانه زد. این جریان های فکری متعلق به دوطبقه تازه پای ایران بود. بازتاب مبارزات طبقاتی بطور عینی در حال گسترش بود که در یک سوی آن فئودالیسم و استبداد مطلقه فئودالی و حامیان آن امپریالیست آن و در سوی دیگر روزواری و دهقانان، پیشه وران، کارگران و بی چیزان شهری قرار داشتند.

حیدر عمو اوغلی در خراسان با تعدادی از کارگران و روشنفکران همفکر خود، نخستین محافل سوسیال - دمکراسی انقلابی ایران را سازمان می دهد. این محافل بعدها به نام "اجتماعیون، عامیون" شهرت یافتند. در مدت پانزده ماهی که حیدر عمو اوغلی در مشهد به فعالیت سیاسی اشتغال داشت، به دلایل اجتماعی و تاریخی معین نتوانست در گسترش محافل سوسیال - دمکراسی توفیق چشمگیری به دست آورد. او راهی تهران می شود تا فعالیت های سیاسی خود را پیگیری کند.

حوزه های "خصوصی" و "عمومی"

حیدر عمو اوغلی ابتدا در راه آهن تهران و شاه عبدالعظیم و بعد در تجارخانه حمل و نقل ایران به کار می پردازد. جنبش ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلق های ایران در این زمان هرروز گسترش تازمائی می یافتد و زمینه برای فعالیت های سیاسی حیدر عمو اوغلی به نحو مساعدی فراهم بود. انقلاب روزواری - دمکراتیک در آستانه قرار داشت.

حیدر عمو اوغلی در "تقریرات" خود می گوید: "حوزه خصوصی مخفی پس از بحث های طولانی تصمیم می گیرد که برای اعلام خطر به مستبدین، به خانه وزیر مخصوص بمبی انداخته شود. چند نفر ما مور این کار می شوند. ولایتی اینها در هنگام عملیات ترسیده، بمب را در خانه زهاکرده و فرار می کنند. بمب منفجر نشده، به دست ما موران دولت می افتد. مستبدین این اخطار را جدی تلقی نکرده و همچنان به ترورهای ضد انقلابی خود ادامه می دهند. این بار حوزه مخفی رای می دهد که بمبی به خانه یک کسی از درباریان فاسد به نام علاء الدوله پرتاب شود. و حیدر عمو اوغلی ما موریت انجام آن را به عهده می گیرد.

محمد علی میرزا برای سرکوب نهضت مشروطیت، اتابک یعنی یکی از مهره های اصلی استعمار روسیه - تزاری و صدراعظم مستبد زمان ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه را از اروپا به تهران فرامی خواند. اتابک از همان لحظه ورود خود به ایران ابتدا بارشوه عده ای از نمایندگان خائن مجلس را با خود همراه می کند و سپس سرکوب خونی - خنثی نوده ای در تهران و تبریز را با پشتیبانی "شیخ فضل الله نوری" و دیگر روحانیون قشری سازمان می دهد در چنین شرایطی است که حیدر عمو اوغلی در "تقریرات" خود می گوید:

"حوزه مخفی اجتماعیون، عامیون تهران کومه ملک المتکلمین و آقا سید جمال واعظ در آن عضویت داشتند. اعدام اتابک را رای داده، حکم اعدام اتابک را به کمیته اجراء می فرستد."

کمیته اجرائی عملیات اعدام انقلابی اتابک را به کمیته مدیشه که تعداد آن ۱۲ نفر و ریاست آن به عهده حیدر عمو اوغلی بود واگذار کرد. "عباس آقا" تبریزی به حکم قرعه برای این کار انتخاب شد و "ترور سرخ" اتابک به انجام می رسد و عباس آقا جان خود را بر سر این کار می نهد و به شهادت می رسد. از جیب او کارتی به دست می آید که بر روی آن نوشته شده بود:

"عباس آقا صرف آذربایجانی، عضوانجمن نمبره ۴۱ فدائی ملت"

اقدامات این زمان حیدر عمو اوغلی از تمام جهات "ترورهای سرخ" به حساب می آید، او در "تقریرات" درباره نتایج اعمال انقلابی سوسیال - دمکراسی انقلابی چنین می گوید:

"طرف عمر با حاجی خان به طرف خیابان لاله زار آمدم که بینیم واقعه دیشب چه تاثیراتی در افکار مردم داده است. بلی این مسئله تاثیرات فوق العاده در مردم داده است. حتی اروپائی های مقیم تهران نیز عقیده پیدا کرده می گفتند که ایران دیگر ایران سابق نیست، دیگر ملت به حقوق خود واقف شده، حق گرفته شده از دولت را به خوبی نگاهداری خواهند کرد."

مطالعه اسناد موجود نحوه برخورد و تفکر حیدر عمو اوغلی را نشان می دهد. او از تجارب شکست قیام دسامبر ۱۹۰۵ روسیه برخوردار بوده است. حیدر عمو اوغلی در "منشات" خود، اعتقاد منشویک های روسی را، پس از سرکوب قیام دسامبر ۱۹۰۵، مبنی بر این که "نمی بایست" اسلحه به دست گرفت "سخت مورد انتقاد قرار می دهد و نشان می دهد که چگونه بر اعتقادات لنین و فادارو معتقد مانده است. او یکی از پیروان صدیق راه لنین بود. او در تمام فعالیت های سیاسی خود نشان می دهد که به اصول "لنینی" مبارزه طبقاتی و فادارو است بر اشتی ناپذیر بودن تضادهای طبقات متخاصم اعتقاد عمیق دارد.

برخلاف "توده ای ها" که بر سر میراث رفیق حیدر عمو اوغلی هوچیگری می کنند - رفیق حیدر عمو اوغلی به نخستین درس کبیر قیام دسامبر ۱۹۰۵ که لنین آنرا چنین جمع بندی کرده است عمیقاً وفادار می ماند:

"بنابر این چیزی کوتاه بینانه تر از نظریه بلخانف نیست که تمام اپورتونیست ها به آن چسبیده اند و بر طبق آن نمی بایست به اعتصاب قبل از موقع پرداخت و است - نمی بایست دست به اسلحه برد. برعکس، از این هم قطعی تر وجدی تر و با قصد تعرضی بیشتری بایستی دست به اسلحه برد. لازم بود به توده ها فهمانده شود که تنها اعتصاب مسالمت آمیز غیر ممکن است و لزوم یک مبارزه مسلحانه بی باکانه و بی رحمانه را به آنها توضیح داد و بالاخره حالا ما باید آشکارا و صدای رسا به عدم کفایت اعتصاب های سیاسی اعتراف کنیم، باید قیام مسلحانه را در میان وسیع ترین توده ها تبلیغ نمائیم و ضمانت مسئله را با هیچگونه مراحل مقدماتی پرده پوشی نکنیم و هیچ لافه ای روی آن نکشیم. هرگاه لزوم یک جنگ فداکارانه، یک جنگ خونین و نابود کننده را که وظیفه مستقیم عملیات آینده است، از توده ها مستور داریم، هم خود را فریب داده ایم و هم توده های خلق را."

"لنین - در سهای قیام مسکو" ادامه دارد

در این زمان حیدر عمو اوغلی به سازماندهی متناهی شرایط دست زد و انقلابیون ایران را در حوزه های "خصوصی" و "عمومی" متشکل ساخت. حوزه های خصوصی هسته اصلی و رهبری کننده سوسیال دمکراسی انقلابی بود و تا عضو داشت و در حوزه های عمومی تا پیش از ۲۰ نفر متشکل بودند حوزه های عمومی پس از تشکیل انجمن های محلی که بنام گونه ای ارگان های حاکمیت توده ها بود، منحل شدند و اعضاء آن نقش فعالی در سازماندهی و هدایت این انجمن ها بر عهده گرفتند. "حوزه های خصوصی" به صورت مخفی به حیات خود ادامه دادند و از طریق اجتماعیون، عامیون با کار، با حزب سوسیال - دمکرات کارگری روسیه ارتباط یافتند. محافل سوسیال دمکراسی به تدریج در تهران آذربایجان، گیلان و ارومیه سازمان یافتند و رفیق حیدر عمو اوغلی در پیوند این محافل نقش فعالی بر عهده می گیرد. به این ترتیب زمینه های لازم برای تشکیل حزب کمونیست ایران فراهم می آید.

حیدر عمو اوغلی و انقلاب مشروطیت

به هنگام اوج گیری جنبش مشروطیت، حیدر عمو اوغلی در تهران، در کارخانه برق حاج حسین امین الضرب، کار می کرد. در این هنگام حکومت مطلقه ربر فشار مبارزات اعتلاء یافته توده های مردم که با رهبری روزواری ایران انجام می گرفت، درهم فروزی شکست. حیدر عمو اوغلی در این هنگام نقش فعالی در پیبرد و سازماندهی جنبش به عهده گرفت. او فعالانه در سازماندهی راهپیمائی های خیابانی و تحصن ها شرکت نمود. اسناد موجود نشان دهنده نقش فعال حیدر عمو اوغلی در تحصن مسجد سپه سالار و سفارت انگلیس است. نتیجه این مرحله از مبارزات مردم و انقلابیون تسلیم مظفرالدین شاه به اراده ملت بود که مظفرالدین شاه را مجبور به قبول مشروطیت کرد.

قابل تأکید است که در همین زمان نخستین تشکلی های توده ای کارگری در تهران، خراسان، آذربایجان و گیلان با کوشش سوسیال دمکرات های انقلابی و رهبری حیدر عمو اوغلی سازمان می یابد.

مظفرالدین شاه که تمام تلاش خود را برای سرکوب مبارزات مردم به کار گرفته بود، می میرد و محمد علی میرزا جانشین او می شود. "شاه جدید" نیز با همکاری درباریان و مستبدین دیگر و پشتیبانی تزاریسیم و امپریالیسم انگلیس با تمام نیرو به سرکوب انقلاب و آزادخواهان و انقلابیون می پردازد. انقلاب در محاصره فئودال ها، سازشکاران و حامیان امپریالیست آنان قرار می گیرد و از هر سو ضرباتی بر پیکر جوان آن وارد می آید. هدف از وارد آوردن این ضربات درهم شکستن انقلاب ایران بود. توده ها درمی یافتند که مبارزات مسالمت جوینان آنان برای درهم شکستن استبداد فئودالی که به سلاح های بلژیکی، انگلیسی و روسیه تزاری مجهز است، کافی نیست. آنها در آستانه قیام مسلحانه قرار داشتند.

حیدر عمو اوغلی درمی یابد که توده ها را باید مسلح کند. او فعالانه به تدارک این امر می پردازد. رفیق

مردم میهن ما ناقطع کامل سلطه امپریالیسم آمریکا به مبارزات خود ادامه خواهند داد



یک جانبه‌ای مورد خطاب قرار گرفته و صراحتاً مطالبات شورای خواست‌هایی "ضد انقلابی" توصیف شده است.

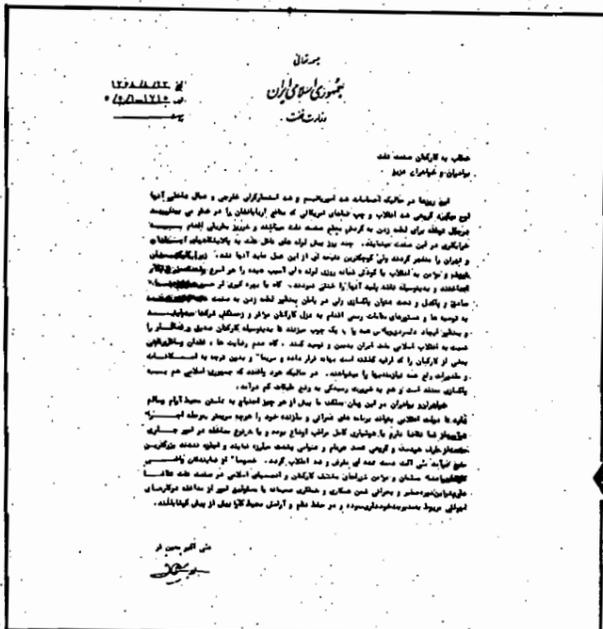
وزیر جدید خود را به نفعی می زند که شورازدل قیام و توسط خود نفتگران برپاشده ته توسط دولت موقت.

وزیر نفت و عضو شورای انقلاب باید به جای صدور بخشنامه برای بی اعتبار کردن و سلب قدرت شوراهای کارنامه درخشان خود را مرور کنند تا بهتر دریابند که چه اندازه تا بستگی صدور چنین فرامینی زادار هستند وزیری که با عوامفریبی و باسوق و کرنا برنامه پاکسازی خود را اعلام می کند خوب است که قدری به دوروبر خود نگاه کند و مدیران سابق را که در دوران اقبال و انصاری و نیزه بر سر کار بودند مشاهده نماید که چگونه هنوز به عنوان نزدیک ترین همکار و مشاور ایشان بر سر پست‌های حساس خود باقی ماندند.

تصفیه مدیر اداری، آن هم در نتیجه فشار و توصیه انجمن اسلامی پایان تصفیه نمی تواند باشد که این چنین مورد بهره برداری تبلیغاتی آقای وزیر قرار می گیرد. آن چیزی را که آقای وزیر تصفیه و پاکسازی می داند، در حقیقت چیزی جز نبرد قدرت با نفتگران آگاه و انقلابی که مدیریت را زیر رگبار خواست ها و سؤالات خود دارند، نیست. دست شمایز آقای وزیر همچون دیگر همکاران تا دیر با زود رو خواهد شد.

اقدامات وزیر جدید نفت علیه نفتگران آگاه و انقلابی در پوشش "پاکسازی"

این مقاله بخش دوم گزارش چاپ شده در کار ۳۸ است که در این شماره به پایان می رسد



برای پاکسازی واقعی مورد اعلام شده است. در بخشنامه مورخ ۲۰ آبان ۵۸ که در پاسخ اعلامیه پوراهای موقت کارکنان صنعت نفت - گاز و پتروشیمی در تهران که در پاسخ به خواست کارگران مبنی بر تعطیل پنجشنبه ها صادر گردید، شورای کارکنان صنعت نفت بطور

در صنعت نفت برعهده دارد، از مفاد بخشنامه‌هایی که صادر می کند آشکار می گردد. به عنوان نمونه می توان از بخشنامه مورخ ۲۳ آذر ۵۸ نام برد که طی آن نفتگران از هرگونه اقدامی که با کارمندی ایشان تداخل پیدا کند، منع گردیده اند. در این بخشنامه اقدامات انقلابی کارگران

موقت برای پاک سازی و اعلام شروع برنامه از طریق انتخاب هیئت ۵ نفری مجری طرح پاکسازی به ظاهر پاسخگویی دلیل اصلی عنوان شده برای برکناری نزیه شد.

اما خیلی زود تو خالی بودن مانورهای عوامفریبانه وزیر نفت جدید - این دارنده نشان تاج آریامهری - برملا گردید. چه اقدامات جناب وزیر جدید از تعویض سرکاغذهای شرکت ملی نفت فراتر نرفت، هنر وزیر جدید تنها در این بود که کارگران و کارمندان را به باد توهین و افتراهای رنگارنگ قرارداد و با صدور بخشنامه‌های شدداد و غلاظی شروع به خط و نشان کشیدن کرد و با انقلابی خواندن خود کوشش دارد تنها کارگران پیشرو و انقلابی صنعت نفت را به عنوان ضد انقلاب مورد تصفیه به اصطلاح انقلابی قرار دهد.

حضور "ضد انقلاب" کشف آقای معین فرنیست. بلکه بهانه‌ای است برای توجیه "نیروی ویژه" مستقر در صنعت نفت که جناب وزیر با کمک آن وظایف به اصطلاح انقلابی خود را انجام می دهند تا مانع از هرگونه حرکت در جهت پیشبرد اهداف انقلابی کارگران صنعت نفت شوند. ماهیت وظایفی که وزیر جدید

باتوجه به مقاله شماره قبیل معلوم می شود که افشای قرارداد های نفتی، طرد عناصری که هدف خود را خدمت نهانجسارت قرار داده اند و مصادیر سرمایه های امریکائی در شرکت نفت از جمله اهمیت برخوردار است.

سازمان اداره شرکت نفت به گونه‌ای است که در بخش های مختلف آن مبره‌هایی سازمان داده شده اند که حرکات انقلابی را در هر سطحی تحت نظارت و کنترل خود در آورند. این مبره ها خود شبکه‌ای را در درون سیستم اداری و بوروکراتیک شرکت نفت تشکیل می دهند. موقیعت اجتماعی و طبقاتی این عوامل، عامل مهمی است که آنها را در خدمت انحصارات نفتی و شرکای داخلی شان در پی آورد از این رو طرح شعار "پاک سازی" که البته با هدف ها و مضامین مختلفی عنوان می گردد حائز اهمیت فراوانی است و برعهده کارگران پیشرو و انقلابی است که این "شعار را در راستای تعمیق مبارزات ضد امپریالیستی خلق‌های مابه کار گیرند.

به خاطر داریم از جمله دلایل برکناری نزیه و روی کار آمدن معین فر، مسئله تصفیه عناصر وابسته به رژیم سابق بود.

مانورهای وزیر تازه و مطالبات کارگران. وزیر تازه نفت مسئله پاک سازی صنعت نفت را از جمله اولین اقدامات خود عنوان نمود و با صدور بخشنامه مورخ ۱۹ مهر ۵۸ بار اراکه خط مشی کلی دولت

حامیان "جدید مستضعفین چگونه زندگی می کنند"

بکشد و ده‌ها بار جانش به خطر بیفتد. آری مخارج چهار شب اقامت حجت الاسلام و همراهان، برابر ۴ سال زندگی یک خانواده روستائی زحمتکش در کردستان است.

حجت الاسلام، در هتل های مشهد برابر دستمزد یک سال کارگری است که روز و شب در کارخانه ها و کوره پرخانه ها و معادن و غیره در سرما و گرما کاری کند و هر روز باید بار سنگین و مشقت کارهای طاقت فرسای او را بدوش

در حال حاضر زحمتکشان میهن ما زیر فشار گرانی و مایحیناج زندگی و بیکاری دست و پایی زندگی و به سختی قادر به گذران زندگی خود و خانواده شان هستند. حداقل دستمزد کارگران ۵۶ تومان معین شده در صورتی که همه می دانند که با این مقدار دستمزد یک نفر هم قادر نیست به راحتی زندگی خود را بچرخاند. میلیون ها کارگر بیکار در ورام بیکاری که برای مدت چند ماهه و آن هم فقط به تعدادی معدود دار کارگران بیکار پرداخت شد. معادل ۷۵۰ تومان بود.

درست در همین زمان اسناد افشاگرایی انتشار یافته است که آقای حجت الاسلام اشراقی و همراهان شان در مدت ۴ شب اقامت در هتل های عمر خیام در مشهد مبلغ ۱۷۲۲۸۰ ریال بابت هزینه پذیرایی و اقامت می پردازند. یعنی هرگاه وام بیکاری قطع شده کارگران بیکار را که ۷۵۰ تومان است با هزینه اقامت ۴ شب حجت الاسلام مقایسه کنیم برابر با مخارج دو سال زندگی یک کارگر بیکار خانواده اش خواهد شد.

ناراهمگامی و ناچیز نیز قطع گردیده و معلوم نیست این کارگران زحمتکش چگونه باید معاش خود را تأمین کنند. ماحی اگر حداقل حقوق کارگران شاغل را که برابر ۵۶ تومان در روز می باشد در نظر بگیریم، هزینه اقامت ۴ شب

چرا بازرگان و رفسنجانی، بقیه از صفحه ۱

حمایت و پشتیبانی قرار گرفت. هاشمی رفسنجانی، عضو شورای انقلاب و وزیر کشور جمهوری اسلامی، در فردای مصاحبه آقای بازرگان، در مصاحبه‌ای با خبرنگار روزنامه کیهان، نظریه بازرگان را درباره امیران نظام تأیید کرد و چنین گفت:

"اسنادی که راجع به انتظام فاش شد، نشان دهنده جاسوسی ایشان نیست. حمایت وزیر کشور از امیران نظام نشان می دهد که دوستان امپریالیسم امریکا و سرمایه داری وابسته تا کجا نفوذ کرده و چه اندازه در قدرت سهم هستند و برای سیاستی که بازرگان ها و امیران نظام طراحی و سخنگوئی آنند تا چه میزان در جمهوری اسلامی راه برای پیشرفت باز است.

به خوبی روشن است هدف اصلی بازرگان و شرکای او، جلوگیری از انتشار اسنادی است که حقایق فراوان تری را برای توده های قیام کننده میهن ما روشن می کند. آنها بدون شک در مبارزه برای تحکیم موقعیت خود در حاکمیت و مانع از انزوای سیاسی از برای نخواهند نشست و تلاش های جدیدی را سازمان خواهند داد. از این رو افشاء و طرد آنان و ارتقاء آگاهی توده های وسیع قیام کننده از مواضع و اهدافی که این دوستان دروغین مردم دنبال می کنند وظیفه همه انقلابیون کمونیست است.

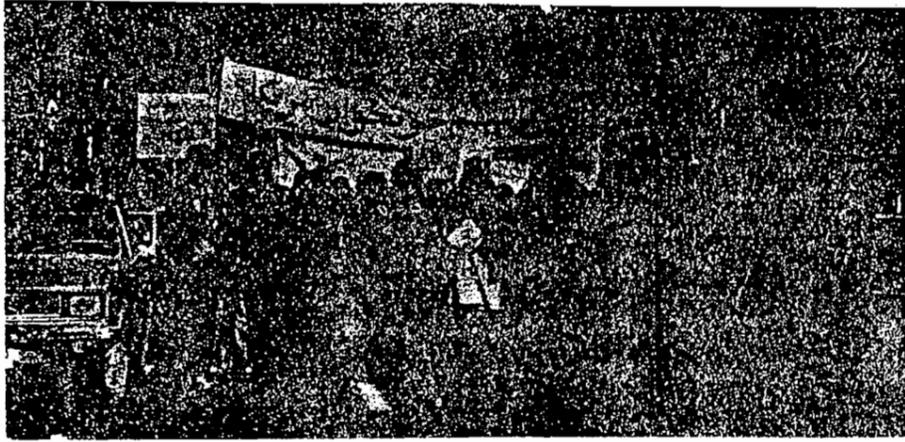
کشور یکی دیگر از اعضا شورای انقلاب به حمایت از گفته های بازرگان و دفاع از امیران نظام برخاست. مانور سیاسی آقای بازرگان، که با مصاحبه پرسروصدای روز دوشنبه آغاز شد، چشم انداز تازه‌ای از "مبارزه قدرت" را به نمایش گذاشته است.

در این مصاحبه بازرگان تمام خیرگی سیاسی خود را برای موجه جلوه دادن اقدامات و فعالیت های جاسوسی امیران نظام، سخنگوی امریکائی دولت خود به کار می گیرد در مصاحبه کوشش شده است از اعتقادات مذهبی مردم نیز برای طبیعی نشان دادن جاسوسی امیران نظام استفاده شود.

"نخست وزیر منتخب امام" در عین حال کوشش می کند جنبه تازه‌ای از دوستان صاحب مقام تشکیل دهد تا قدرت مانور خود را برای جلوگیری از گسترش دامنه مبارزات ضد امپریالیستی توده ها و افشاکاری های دانشجویان مستقر در سفارت امریکا تقویت نماید. زیرا بازرگان بهتر از هر کسی می داند که رشد مبارزات ضد امپریالیستی - مکرراتیک توده های میهن ما - برچیده شدن بساط او و جاسوسان امریکائی و تمامی لیبرال ها است که هدفی جز تحکیم نظام سرمایه داری و تثبیت سلطه امپریالیسم ندارند.

می بینیم که حساب های آقای بازرگان زیاد هم بی راه نبوده است، چه خیلی زود از طرف دوستان "صاحب مقام" مورد

پشتیبانی از هیئت نمایندگی خلق کرد وظیفه مبرم همه نیروهای مبارز و انقلابی ایران است



گزارش راهپیمایی ضد امپریالیستی بیکاران

حدود ساعت ۱۱ جمعیت به جلو سفارت آمریکا رسیده و پس از دادن شعارهای ضد امپریالیستی قطعه نامه ای قرائت گردید. در قسمتی از این قطعه نامه آمده است: "مانما یندگان فارغ التحصیلان بیکار کشور ضمن پشتیبانی از مبارزات ضد امپریالیستی مردم ایران معتقدیم که از بین بردن بیکاری فقط در یک مبارزه قاطعانه علیه امپریالیسم امکان پذیر است".

مصادره سرمایه های امپریالیستی در جهت رفح نابرابری های اجتماعی از قبیل بیکاری، افشاء و نفوکلیمت قراردادهای اقتصادی، سیاسی، نظامی با امپریالیسم آمریکا، الغای قانون منع استخدام کشوری، به رسمیت شناختن شوراهای اتحادیه ها و... از جمله مواردی است که در قطعه نامه اجرای آن از مقامات مسئول مصرا خواسته شده است.

تهران رسید، یکی از بیکاران به منظور گرامی داشت ۱۶ آذر، روز دانشجو، طی صحبتی کوتاه به نقش دانشگاه به عنوان سنگر همیشه خروشان و آتشی ناپذیر اشاره کرد. وی از تظاهرکنندگان خواست تا با دادن شعاری به نفع دانشجو، از مبارزات دانشجویان قدرانی کند. آنگاه بیکاران به طرف سفارت سابق آمریکا براه افتادند. در طول راه شعارهایی از قبیل "زندانیان بیکار، آزاد باید گردند. مزدوران خارجی اجراج باید گردند" در اعتراض به ستم دستگیری ۱۵ تن از کارگران بیکار که پس از اشغال مجدد "خانه کارگر" توسط افراد کمته و باسداران در بازداشت به سر می برند، داده شد. در ادامه راهپیمایان خواستار آزادی هر چه سریعتر کارگران بیکار شدند.

روز پنجشنبه ۱۵ آذر چند صد نفر از بیکاران به منظور پشتیبانی از مبارزات ضد امپریالیستی مردم ایران، پس از تجمع در مقابل پارک لاله (فرح سابق) دست به راهپیمایی زدند.

در ساعت ۱۰ صبح راهپیمایان با دادن شعارهایی چون "یا موری پارهایی، از آمریکا جدا می" و "بیکاران اره رصف، اتحاد اتحاد، علیه امپریالیسم، ارتجاع" پارک لاله راه سمت خیابان کارگر ترک کردند. تظاهرکنندگان پس از عبور از پیمان کارگر و میدان انقلاب در حالی که شعار می دادند "امریکا، امریکا، دشمن زحمتکشان"، "نه سازش، نه تسلیم، سرد با امریکا" و "سرمایه واید، همه سر زحمتکشان ملی باید گردد" به طرف خیابان انقلاب حرکت کردند. هنگامی که صف تظاهرات به مقابل دانشگاه

اطلاعیه

هم میهنان مبارز و هواداران آزتجاکه دادستان جمهوری اسلامی حساب بانکی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران را مسدود اعلام کرده است از

دادستانی کل انقلاب
جمهوری اسلامی ایران
برگ مایوریت

تاریخ: ۱۳۵۸/۱۱/۱۸
شماره: ۲۲۰۲۱

ریاست محترم بان، ملی شعبه دانشگاه

شماره حساب: ۲۲۰۲۱ رانا اذینغ ثانور مسدود

میباشد

دادستان کل انقلاب جمهوری اسلامی ایران

وزیر دفتر: ...
شماره: ۱۳۵۸/۱۱/۱۸

کمک های مالی دریافت شده:

کد	مبلغ به ریال						
۲۲۲	۲۰۰۰	۲۲۳	۲۰۰۰	۲۲۴	۲۰۰۰	۲۲۵	۲۰۰۰
۲۲۶	۲۰۰۰	۲۲۷	۲۰۰۰	۲۲۸	۲۰۰۰	۲۲۹	۲۰۰۰
۲۳۰	۲۰۰۰	۲۳۱	۲۰۰۰	۲۳۲	۲۰۰۰	۲۳۳	۲۰۰۰
۲۳۴	۲۰۰۰	۲۳۵	۲۰۰۰	۲۳۶	۲۰۰۰	۲۳۷	۲۰۰۰
۲۳۸	۲۰۰۰	۲۳۹	۲۰۰۰	۲۴۰	۲۰۰۰	۲۴۱	۲۰۰۰
۲۴۲	۲۰۰۰	۲۴۳	۲۰۰۰	۲۴۴	۲۰۰۰	۲۴۵	۲۰۰۰
۲۴۶	۲۰۰۰	۲۴۷	۲۰۰۰	۲۴۸	۲۰۰۰	۲۴۹	۲۰۰۰
۲۵۰	۲۰۰۰	۲۵۱	۲۰۰۰	۲۵۲	۲۰۰۰	۲۵۳	۲۰۰۰
۲۵۴	۲۰۰۰	۲۵۵	۲۰۰۰	۲۵۶	۲۰۰۰	۲۵۷	۲۰۰۰
۲۵۸	۲۰۰۰	۲۵۹	۲۰۰۰	۲۶۰	۲۰۰۰	۲۶۱	۲۰۰۰
۲۶۲	۲۰۰۰	۲۶۳	۲۰۰۰	۲۶۴	۲۰۰۰	۲۶۵	۲۰۰۰
۲۶۶	۲۰۰۰	۲۶۷	۲۰۰۰	۲۶۸	۲۰۰۰	۲۶۹	۲۰۰۰
۲۷۰	۲۰۰۰	۲۷۱	۲۰۰۰	۲۷۲	۲۰۰۰	۲۷۳	۲۰۰۰
۲۷۴	۲۰۰۰	۲۷۵	۲۰۰۰	۲۷۶	۲۰۰۰	۲۷۷	۲۰۰۰
۲۷۸	۲۰۰۰	۲۷۹	۲۰۰۰	۲۸۰	۲۰۰۰	۲۸۱	۲۰۰۰
۲۸۲	۲۰۰۰	۲۸۳	۲۰۰۰	۲۸۴	۲۰۰۰	۲۸۵	۲۰۰۰
۲۸۶	۲۰۰۰	۲۸۷	۲۰۰۰	۲۸۸	۲۰۰۰	۲۸۹	۲۰۰۰
۲۹۰	۲۰۰۰	۲۹۱	۲۰۰۰	۲۹۲	۲۰۰۰	۲۹۳	۲۰۰۰
۲۹۴	۲۰۰۰	۲۹۵	۲۰۰۰	۲۹۶	۲۰۰۰	۲۹۷	۲۰۰۰
۲۹۸	۲۰۰۰	۲۹۹	۲۰۰۰	۳۰۰	۲۰۰۰		

بازرگان می خواهد "ارتش شاهنشاهی" را در جهت منافع سرمایه داری

حفظ نماید

آزادی های سیاسی پاسخی مثبت ندادند یکی از افتخارات دولت موقتشان را تدوین اساسنامه شورای موسسات نام بردند. اما همچون گذشته مسئله شورای اراد ارتش مودبانه نغی کردند و بالاخره تصمیم رابه اولی الامر واگذار نمودند.

آقای بازرگان در قسمتی از سخنانشان گفتند: "این موضوع که افسران بقیه در صفحه ۵

خودشان انحلال ارتش برداختند. آقای بازرگان در قسمت های دیگری از سخنانشان طرح توحیدی را که خواسته درجه داران انقلابی ارتش بوده است مودبانه نغی می کنند و آنگاه با اشاره به روایات واحادیسی از صدر اسلام در رابطه با مسئله فرماندهی، پرسنل ترازه اطاعت کورکورانه دعوت می کنند. آقای بازرگان در حالی که در ۹ ماه گذشته به هیچ یک از خواست های برحق نظامیان از جمله شورا و حق

آقای مهندس بازرگان عضو شورای انقلاب در ۱۴ آذر در حالی که چمران وزیر دفاع و تیمسار فلاخی فرمانده نیرو را به همراه داشتند، طی سخنرانی متوسطی در یادگان لویزان برای پرسنل از لزوم پاکسازی وانضباط و اطاعت از فرمان سخن گفتند. آقای بازرگان در حالی که دشمنان را امپریالیست و صهیونیست و مارکسیست ها قلمداد می کردند موزورانه به تحریف حقایق ونظرات پرسنل انقلابی مبنی بر تصفیه یاب به قول

توضیح درباره کمک های مالی

سازمان چریک های فدائی خلق ایران همواره تنها به حمایت مردم قهرمان ایران تکیه داشته و امروز هم مانند همیشه متکی بر پشتیبانی هواداران است.

کمک های مالی خود را از هر طریق که می شناسید و اطمینان دارید، به دست رفتاری سازمان برسانید. از آنجا که نمونه هایی دیده شده است که عده ای با مقاصد مختلف با استفاده از نام سازمان به جمع آوری کمک های مالی، مبادرت کرده اند. به دوستان و رفقا توصیه می کنیم برای اطمینان از دریافت کمک هایشان توسط سازمان به رابط دریافت کننده پول یک عدد سه رقمی هم که خودشان انتخاب کرده اند، همراه با حرف اول نام خود به عنوان "کد" بدهید.

سازمان "کد" و حرف اول نام شماره همراه با مبلغی که پرداخته اید در نشریه "کار" به چاپ می رسد. به این ترتیب شما اطمینان خواهید یافت که کمک مالی تان به سازمان رسیده است. لازم به تذکر است که رابطه به هیچ وجه نباید یک رابطه تشکیلاتی تلقی گردد.

ما از هم میهنان مبارز می خواهیم با دقت کافی نسبت به این مسئله مانع از سوء استفاده عناصر فرصت طلب شوند.

توضیح در مورد عنوان مقاله:

وزارت کشاورزی حامی زمینداران بزرگ و سرمایه داران وابسته است

در شماره ۳۸ "کار" مقاله ای تحت عنوان "وزارت کشاورزی حامی زمینداران بزرگ و سرمایه داران وابسته است" به چاپ رسید. از آنجا که عنوان فوق این توهم را پدید می آورد که ما نمایان سیاست ۹ ماهه گذشته دولت بازرگان واقدمات فعلی وزارت کشاورزی فرقی نمی گذاریم، لازم دیدیم توضیح دهیم که این عنوان به سیاست های زمان وزارت آقای ایزدی اشاره دارد

تعداد نمایندگان طبقات و اقشار مختلف جامعه به نسبت جمعیت در مجلس خبرگان

روحانیت	جمعیت	تعداد نماینده
۲۰۰ هزار نفر	۶۵ نفر	
۳ میلیون نفر	۱ نفر	معلوم الحال
تقریباً نصف جمعیت کشور	۱ نفر	معلوم الحال

ودهقانان که اکثریت جمعیت کشور را تشکیل میدهند، هیچ نماینده ای ندارند! روشن است، که قوانین تصویب شده بوسیله این خبرگان تنها ببرد جامعه روحانیت که خود را قیم مردم میدانند، میخورد و هیچ دردی از زحمتکشان را دوا نمیکند.

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر

کارگران و زحمتکشان
برای ائتلاف و طرد سرمایه داران لیبرال و
پیشبرد مبارزه ضد امپریالیستی - دموکراتیک
متحد شوید

کا
ضمیمه کار شماره ۳۹
چهارشنبه ۵ دیماه ۱۳۵۸

کارگران و زحمتکشان
متحد شوید

سال اول - ضمیمه شماره ۳۹

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

قیمت ۱۰ ریال

مهدی بازگان می گوید:

«علی حضرت با درد دست گرفتن امور خود را خسته و کوفته کرده،
یک نفر چقدر وقت پیدا می کند که به همه امور برسد؟» در صفحه ۴

بازگان گودنشین ها، زاغه نشین ها و ساکنین حلبی آبادها را قدر و دزد و قاچاقچی می نامد.

یک عمر کار کرده اند، زحمت کشیده اند،
خشت روی خشت گذاشته، کیسه
سرمایه داران را پر کرده اند، امروز
می خواهند بدهند به اینها می رسد.
خوب وقتی قدرتی نباشد همین است
(روزنامه های تهران ۲۳ آذر ۵۸)
هر آدم منصفی وقتی این حرف ها را
می شنود از خود می پرسد کدام یک از
قدرها و دزدان واقعی یعنی سرمایه داران
با ماشین های آخرین سیستم "بنز" و
"بی ام و" با فکل و کراوات رفته اند
آپارتمان های سرمایه داران فراری
را اشغال کرده و در آن بساط بپهن کرده اند؟
در هزاران خانه ای که توسط مردم زحمتکش
اشغال شده است حتی یک نفر کردن کلفت
و قدرکار دسترنج طبقه کارگر کردنش
کلفت شده باشد، امثال بازگان ها و
امیرانتظام ها پیدایی شود.

دربیکی دو ماه اخیر، موج مبارزات ضد
امپریالیستی و ضد سرمایه داری مردم
زجر کشیده و محروم اوج تازه ای یافته است.
مردم بی خانمان و زاغه نشین و گود
نشین اطراف شهرها که یک عمر خانه بدوشی و
دربداری کشیده اند، طی چند هفته گذشته
پس از ماه ها انتظار موهوم از دولت بازگان
که خانه ها و آپارتمان های سرمایه داران
فراری را به آنها واگذار کند، چون امیدشان
از دولت ناامید شد، به پشتیبانی
سازمان های انقلابی و برخی روحانیون
مبارز تعدادی آپارتمان را که ماه ها خالی
مانده بود، اشغال کردند تا زمستان را به
برکت مبارزاتی که سال گذشته در راه های
خود از قرون و ناداری بی خانمانی کرده بودند
دربزیر سقف یک چهار دیواری به سر آورند.
اما آقای بازگان این عضو برجسته
شورای انقلاب مثل هر سرمایه دار دیگر،
زاغه نشین ها، گودنشین ها، بی خانمان ها و
همه مردمی را که توسط همین سرمایه داران
چاپیده شده اند، به یاد افترا و بدگویی گرفت
وقتی آقای بازگان دیدند کسانی که

برای پیشبرد مبارزات ضد امپریالیستی خلقمان سیاستمداران و محافل لیبرال را افشاء و طرد کنیم.

اسناد منتشره در این شماره گوشه ای از تاریخ مبین ما است. این اسناد از آن
جهت منتشر می شوند که ماهیت سیاستمداران و محافل سرمایه داری لیبرال را بر ملا
می کنند. افشای سرمایه داری لیبرال که دشمن مبارزات ضد امپریالیستی -
دموکراتیک خلق های ما است و امپریالیسم آمریکا پیوسته از طریق آن بر علیه خلق ما
وارد عمل شده است، امروز ضرورت زیادی یافته است. به ویژه آن که ماهیت
سرمایه داری لیبرال و سیاستمداران آن که برای منحرف کردن مبارزات خلق ما از
هرفرفستی بهره برداری می کنند و امروز نیز خود را آماده ریاست جمهوری می کنند
هنوز تا اندازه ای بر مردم پوشیده مانده است. اسناد منتشره در این شماره تنها
بخشی از اسنادی است که در آرشیو نشریه "کار" موجود است.

چرا بازگان از دوستان و جاسوسان امپریالیسم آمریکا دفاع می کند؟

بازگان نخست وزیر پیشین، عضو شورای انقلاب و کاندیدای ریاست جمهوری،
در ارتباط با اسناد منتشر شده ای که رابطه عباس امیرانتظام معاون بازگان و
سخنگوی دولت را با سازمان جاسوسی "سیا" برملا می کند، به خبرنگاران گفت:
"این ارتباط با اطلاع من و اعضای دولت و در جهت بهبود روابط دیپلماتیک
بوده است."
در همین مصاحبه بازگان به حقایق تکان دهنده زیر اعتراف کرده است.
این روابط با امیرانتظام و به یک سند ختم نمی شود "۲۵۰ سند دیگر نیز که
این گونه روابط را نشان می دهد، در مورد سایر همکاران من" ممکن است پیدا شود.
"در گزارشی که دادستان انقلاب به من نشان دادند، از اشخاص و افرادی که
عنوان همکاری (سی-آی-آ) را روی آنها گذاشته اند، نام برده اند. بسیاری از
این افراد را من می شناسم، بعضی از این ها را من به آقای امیرانتظام معرفی کرده ام"
بازگان در جای دیگری از همین مصاحبه گفته است:
"مذاکرات مربوط به اتخاذ این روش ها، تبادل نظرها و تماس های ضروری و
لازم آقای امیرانتظام و وزرای خارجی ما یعنی آقایان سنجابی و یزدی و خود
بقیه در صفحه ۴

در این شماره:

مهدی بازگان می گوید:

"علی امینی را فرد مبین پرستی میدانم
اگر با امیریکاهم تماس هائی داشته باشد
روی تبادل نظر و مصلحت اندیشی است!"
در صفحه ۴

آقای بازگان از «قانون اساسی شاهنشاهی» پشتیبانی می کند.

چرا سخنگوی دولت بازگان
جاسوس امپریالیسم آمریکا از آب در آمد
در صفحه ۳

نقل از کار شماره ۲۵
مهندس بازگان ابقاء قراردادهای اسارت بار
با امپریالیست ها را به نفع مملکت و مردم می داند
در صفحه ۲

مهدی بازگان، پیروزی قیام پرشکوه بهمن را
«مصیبت بزرگ» می داند.
در صفحه ۲

چرا پس از قیام شکوه مند خلق

مهدی بازگان

به نخست وزیری رسید؟

برای بسیاری این سؤال مطرح است که
اگر بازگان، امیرانتظام و یزدی و اشغال
آنان که یک یک دارد پیرونده شان رو
می شود، تا این حد به مردم خیانت کرده اند
پس چرا همگی مورد تائید و منتخب
آیت الله خمینی بوده اند و هنوز هم مصدر
آمور هستند؟
بسیاری از مردم که در راه پیمائشی و
تظاهرات و اعتصابات و تیردهای خیابانی
سال گذشته شرکت داشته اند، میلیونها
مردم زحمتکش که جانشان را کف دست
گذاشتند و به خیابان ها ریختند و جلوی
کلوله های سیاه کردند و شعار "مرگ بر شاه"
دادند، وقتی آیت الله خمینی اعلام کرد
بازگان را ما مورثتکلیف کاسینه کرده است به
فکر فرورفتند و با خود گفتند "چرا این سرمایه
دار بهر دار که همه تلاش سازش باشه و حفظ
رژیم بود، باید به نخست وزیری دولت
بقیه در صفحه ۲

مهدی بازگان جمعه ۱۲ آبانماه ۵۷ یعنی یک روز قبل از شنبه سرخ

روزی که رژیم شاه پس از کشتاری وحشیانه دولت نظامی از هساری را بر سر کار آورد،
دربیک مصاحبه مطبوعاتی می گوید:

«گمان می کنم علی امینی بتواند موفق شود

و تاجائی هم که در اختیار من است، کمکش می کنم»

خبرنگار: فکرمی کنید در شرایط حاضر
امینی بتواند کاری از پیش ببرد؟
بازگان: گمان می کنم او بتواند موفق
شود و تاجائی هم که در اختیار من است
کمکش می کنم.
این شخص یعنی مهدی بازگان که
علی امینی را فردی مبین پرست
می شناسد این حرف را روز جمعه ۱۲ آبان
۵۷ زده است. روز قبل از ۱۳ آبان
شنبه سرخ. روزی که رژیم شاه
دانش آموزان راه خاک و خون کشید.
در چنین روزهایی این زاهد ریاضی
مهدی بازگان می خواهد به سبیلو
مظهر نوکری امپریالیسم آمریکا، این

نابود باد توپنه محافل و احزاب سرمایه داری لیبرال

مهدی بازرگان، پیروزی قیام پرشکوه بهمین را «مصیبت بزرگ» می داند.

آقای بازرگان که در ۹ ماه گذشته مدام علیه کمونیست‌ها سیاسی و تبلیغاتی زهرآکین کرده است، پیش از همه از کمونیست‌ها می‌ترسد.

بازرگان درباره کمونیست‌ها می‌گوید: «اینها اولین دستمای بودند که شعار انحلال ارتش را دادند و گفتند که این ارتش امپریالیستی است و همین شعار اینها سرمشق شد برای دیگران.»

(از مصاحبه مطبوعاتی بازرگان ۲۳ آذر ۵۸) این افتخار کمونیست‌هاست که بیش از دیگران و قبل از دیگران مردم را از ماهیت ارتش «آریامهری» دست نشانده امپریالیسم آگاه کرده‌اند و خواستار انحلال ارتش «آریامهری» شده‌اند. تنها آقای بازرگان و شرکا، سرمایه دار ایشان هستند که چون نغمه‌شان در «آریامهری» بودن ارتش است، این تصور تبلیغ می‌کنند که با وجود ۶ هزار مستشار امریکایی در ارتش هنوز هم دلایل کافی برای این که بگوئیم ارتش شاهنشاهی دست نشانده امریکاست، وجود ندارد. کسی که علی‌امینی را مبین پرست بداند برای بسیار راحت است که دستگیری هویزر، بهشتی و قره باغی نام ارتش شاهنشاهی را بردارد و نام «طنی و اسلامی» روی آن بگذارد. او می‌خواهد در ارتش همان نظامات شاهنشاهی، همان سرکوب همان خفقان و همان فشارها از بسوی برقرار شود. در ارتش هیچ چون و چرائی در کار نباشد. او می‌خواهد ارتشی داشته باشد که هر موقع به خلبانش گفت «پسرو

آقای بازرگان از «قانون اساسی شاهنشاهی» پشتیبانی می‌کند.

مهدی بازرگان "نخست وزیر منتخب امام" و عضو برجسته شورای انقلاب اسلامی در مصاحبه خود با نشریه ایران پست، روز جمعه ۱۲ آبان ۵۷ می‌گوید: "مادرشماران احزاب هستیم که قانون اساسی را قبول داریم، همان قانون اساسی نخست و متمم آن است. البته سلطنت را از قاجار گرفته‌اند و به پهلوی داده‌اند."

معلوم می‌شود که علت اعتراضات و استدعاهای آقای بازرگان به نمایندگان مجلس خبرگان نه این‌هاست که آنها حق حاکمیت مردم را زیر پا گذاشته‌اند بلکه به این خاطر بوده است که حقوق سلطنت مشروطه را نادیده گرفته‌اند. بازرگان در مصاحبه مطبوعاتی روز ۱۷ آبان می‌گوید: "استدعای من از این مجلس بررسی قانون اساسی در مرحله نهائی یک تجدید نظری در مواد بکنند که حاکمیت ملت برقرار باشد."

مهدی بازرگان در ۳ سال گذشته نشان داده است که مشروطه خواه است و تمام ناراحتی او نیز این است که چرا مشروطه سلطنتی در ایران برپا نشده

مهدی بازرگان را به عبارتی می‌توانیم «آقای بازرگان» نامیم. بی‌شک او یکی از چهره‌های برجسته و تأثیرگذار در تاریخ معاصر ایران است. او با وجود اینکه در گذشته به عنوان نخست‌وزیر و عضو شورای انقلاب شناخته شده، اما در سال‌های اخیر به دلیل مواضع تند و بی‌پنداره‌اش، به یکی از چهره‌های مشهور و بحث‌برانگیز تبدیل شده است. او در مصاحبه‌های اخیر، مواضع خود را در مورد قانون اساسی و سلطنت پهلوی به وضوح بیان کرده است. او می‌گوید که قانون اساسی را قبول دارد و متمم آن است. او همچنین به دلیل مواضع تند خود در مورد مجلس خبرگان و حقوق حاکمیت مردم، مورد انتقاد قرار گرفته است. او می‌گوید که علت اعتراضات و استدعاهای او این است که آنها حقوق سلطنت مشروطه را نادیده گرفته‌اند. او همچنین به دلیل مواضع تند خود در مورد مجلس خبرگان و حقوق حاکمیت مردم، مورد انتقاد قرار گرفته است. او می‌گوید که علت اعتراضات و استدعاهای او این است که آنها حقوق سلطنت مشروطه را نادیده گرفته‌اند.

نقد از کار شماره ۲۵ دوشنبه ۱۵ مرداد ۱۳۵۸

مهندس بازرگان ابقاء قراردادهای اسارت‌بار با امپریالیست‌ها را به نفع مملکت و مردم می‌داند

پس چنانچه بازرگان رئیس دولت موقت که بدلیل انانیتت و بی‌پنداری خود در باره ابقاء قراردادهای نظامی با امریکاست، از جانب روزنامه‌کاران، ایران‌شناسان، مصلحت‌طلبان و افرادی که در پی منافع خود هستند، مورد انتقاد قرار گرفته است. این افراد بازرگان را به نفع مملکت و مردم می‌دانند. بازرگان در مصاحبه‌های اخیر، مواضع خود را در مورد قانون اساسی و سلطنت پهلوی به وضوح بیان کرده است. او می‌گوید که قانون اساسی را قبول دارد و متمم آن است. او همچنین به دلیل مواضع تند خود در مورد مجلس خبرگان و حقوق حاکمیت مردم، مورد انتقاد قرار گرفته است. او می‌گوید که علت اعتراضات و استدعاهای او این است که آنها حقوق سلطنت مشروطه را نادیده گرفته‌اند. او همچنین به دلیل مواضع تند خود در مورد مجلس خبرگان و حقوق حاکمیت مردم، مورد انتقاد قرار گرفته است. او می‌گوید که علت اعتراضات و استدعاهای او این است که آنها حقوق سلطنت مشروطه را نادیده گرفته‌اند.

چرا پس از قیام شکوه‌مند ...

انقلابی انتخاب وزام امور به دست وی سپرده شود؟

آنها که آگاه‌تر بودند می‌پرسیدند "چرا بازم مثل سابق یک نفر می‌باید درباره همه چیزها تصمیم بگیرد؟" با این همه اکثریت عظیم کارگران و زحمتکشان مبین ما با امیدهایی که می‌قیام بهمین ماه بسته بودند، دل به آینده سپردند، به خیال آن‌ها ریختند و فریاد زدند:

"درود بر بازرگان، نخست‌وزیر ایران"

و در دو بوار شهر به نفع این کهنه سرمایه‌دار برپا شد.

بازرگان که "نخست‌وزیر منتخب امام" بود و به اعتبار اعتقاد توده‌ها نسبت به آیت‌الله خمینی از حمایت و پشتیبانی بی‌دریغ و وسیع مردم زحمتکش نیز برخوردار شده بود، در حقیقت بر اساس این اعتقاد مردم که "امام اشتباه نمی‌کند" امام همواره خیر ملت را می‌خواهد، حتی حساب‌هایی در کار است که ما سردرگمی آوریم "به مدت ۹ ماه بر مبنای دست‌نشانده و وقتی هم اکثریت مردم مبین ما از او بریدند، به عضویت شورای انقلاب

مرگ بر امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم امریکا

چراسخنگوی

دولت بازرگان جاسوس امپریالیسم آمریکا از آب درآمد

خلق ماهر روز گام جدیدی در مبارزه با امپریالیسم و سرمایه‌داری وابسته به آن برمی‌دارد و در هر قدم از مبارزه، عوامل امپریالیسم آمریکا را سوار بر سوارتری کند. ایک لحظه به لحظه ماهیت کاسینسه بازرگان که اکثریت آن را امپریانظام ها، چمران‌ها، یزدی ها و قطب زاده ها تشکیل می‌دادند، بر مردم آشکارتر می‌شود. و مردم بیش از پیش به حقانیت نیروهای انقلابی و ماهیت نیروهای ضدانقلاب پی می‌برند. نیروهای انقلابی و پیش از همه سازمان چریک‌ها و

این عوامل هر روز با چهره ای حق به جانب در تلویزیون ظاهر می‌شدند. به مردم دروغ می‌گفتند و جاپیت های خود راه نیروهای انقلابی می‌دادند. به بادی آمریکا که چگونه وقتی صباغیان ها عناصر مرتجع مانند چمران در کمد دستور به کلوله بستن میتینگ و سخنرانی مردم را صادر کردند، امپریانظام، بازرگان و قطب زاده بی درنگ این کشتارها را به نیروهای انقلابی نسبت دادند و حالا به این قسمت از سند منتشره

جاسوس از آب درآمدن امپریانظام ثابت می‌کند که سازش و اتکای آیت‌الله خمینی به سیاستمداران سرمایه‌داری و حمایت ایشان از عناصری مانند بازرگان، یزدی قطب زاده و چمران و امثالهم تاکنون چه ضرباتی به انقلاب ایران وارد آورده است.

دشمنی خلق ایران، از فردای قیام به افشای این دوستان امپریالیسم آمریکا پرداختند. اما از آنجاکه این عوامل پست‌های حساس را در ارتش، رادیو-تلویزیون، مطبوعات و دیگر مراکز در دست داشتند و هنوز نیز صاحب قدرتند، بهیوسته افراد ناآگاه و بخشهای عقب مانده مردم را فریب دادند و همه نیروی خود را به کار گرفتند تا نگذارند صدای نیروهای انقلابی به گوش همه خلق های شمشک میهن برسد.

پس از قیام بهمن در شرایطی که خلق مایکا را چه علیه امپریالیسم آمریکا مبارزه می‌کرد، در شرایطی که مردم یکبار چه فریاد می‌زدند "بهداش شاه نوبت امریکاست" مهربان اصلی دولت بازرگان یعنی امپریانظام ها، چمران ها و مدنی ها، قطب زاده ها، صباغیان ها و یزدی ها مجری سیاست امپریالیسم آمریکا در میهن ما شدند و توطئه‌های وسیعی علیه مردم و نیروهای انقلابی تدارک دیدند. آنها با بهره برداری از ترس و رهبری روحانیت از انقلابیون کمونیست و سایر نیروهای انقلابی و تمایل ایشان برای سازش با سرمایه‌داری لیبرال، به قدرت

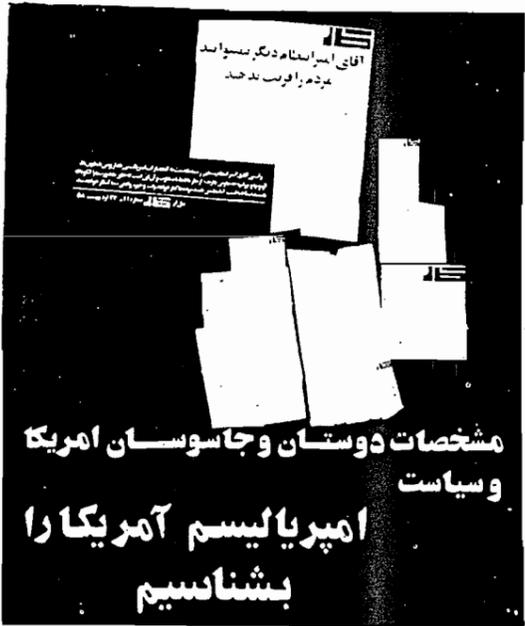
امروز آیت‌الله خمینی باید به این واقعت توجه کنند که چگونه این عوامل با بهره برداری از هراس ایشان از انقلابیون کمونیست و سایر نیروهای انقلابی توانسته‌اند از حمایت وی برخوردار شوند.

هم میهنان مبارز! امپریانظام، کسی که در مقام سخنگوی دولت بازرگان بایی شرمی و گستاخی در تلویزیون ظاهر می‌شود به دست سوار امپریالیسم آمریکا نیروهای انقلابی را "ضدانقلاب" معرفی می‌کرد، تنها یک خرمبره ناچیز از انبوه خرمبره‌های ریزو درشت امپریالیسم آمریکا در ایران است. افشای رابطه پنهانی او با سازمان جاسوسی سیا، نشان می‌دهد امپریالیسم آمریکا چگونه علیه مبارزات خلق مایسج شده است و برای شکست این دشمن

چرا ما از مدت‌های پیش می‌دانستیم که امپریانظام ها عامل امپریالیسم آمریکا هستند؟ تبلیغات امپریانظام ها علیه مبارزات مردم و کینه آنها نسبت به نیروهای انقلابی، کوشش آنها در تجدید سازمان ارتش از طریق "آرپامبری" کوشش آنها در بازسازی سازمان امنیت و تلاش آنها در پیشبرد سیاست‌های سرکوب به وضوح این واقعت را اثبات می‌کرد. امروز نیز اعلام می‌کنیم کسانی که همچون صباغیان و چمران و قطب زاده و بهشتی می‌خواهند به هر نحوی که شده از صلح عادلانه در کردستان جلوگیری کنند و همه تلاش خود را علیه نیروهای انقلابی به کار گرفته‌اند، محصاپیش برده سیاست‌ها با امپریالیسم آمریکا هستند. اعمال این عناصر از هر سندی گویا تر است و از همین رو است که ما مطمئنیم ماهیت همه این عناصر در برابر مردم روشن خواهد شد.

با افشای ماهیت کاسینسه بازرگان و رسوایی مهربان‌های امپریالیسم آمریکا، خلق ما تجربه‌ای گرانبها کسبی کند. مردم امروز بیش از گذشته درمی‌یابند که اگر شورای انقلاب مردم از دل شوراها و واقعی خلق که در کارخانه و سربازخانه و در شهر و روستا در روزهای قیام تشکیل شده بود، بیرون می‌آید و یک فرد شورای انقلاب و دولت را تعیین نمی‌کرد امروز نتیجه چنین نمی‌شد.

بدون شک افشای عوامل امپریالیسم آمریکا برای آیت‌الله خمینی نیز باید حاوی تجربه‌ای گرانبها باشد و ایشان را در شناخت نیروهای آمریکا بیاری دهد. امروز ایشان باید به این واقعت توجه کنند که چگونه این عوامل با بهره برداری از هراس ایشان از انقلابیون کمونیست و سایر نیروهای انقلابی توانسته‌اند از حمایت وی برخوردار شوند. جاسوس از آب درآمدن امپریانظام ثابت می‌کند که سازش و اتکای آیت‌الله خمینی به سیاستمداران سرمایه‌داری و حمایت ایشان از عناصری مانند بازرگان، یزدی، قطب زاده و چمران و امثالهم تاکنون چه ضرباتی به انقلاب ایران وارد آورده است. این عناصر هنوز در شورای انقلاب، در ارتش و دیگر پست‌های حساس سوار گردیده‌اند. مردم ایران خواهان محاکمه و مجازات



مشخصات دوستان و جاسوسان امریکا
سیاست
امپریالیسم امریکا را بشناسیم

نام	تاریخ	محل
بازرگان	۱۳۵۸	تهران
یزدی	۱۳۵۸	تهران
قطب زاده	۱۳۵۸	تهران
چمران	۱۳۵۸	تهران
صباغیان	۱۳۵۸	تهران
بهشتی	۱۳۵۸	تهران
...

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

همه عوامل امپریالیسم آمریکا سرمایه‌داری وابسته به آن هستند. مردم خوب می‌دانند که در عین صورت صرامتی بزرگ نواز گذشته به حسن صد امپریالیستی مردم ایران وارد می‌کند.

مرکز امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا پیروز باد مبارزات ضد امپریالیستی دیکراتیک طبع کارگرومایر طبقات و افکار خلق سازمان چریکهای فدائی خلق ایران حبه ۳۰ آذرماه ۱۳۵۸

در افشای و طرد سرمایه داران لیبرال بکوشیم

بقیه از صفحه ۱

چرا بازگان از دوستان و جاسوسان امپریالیسم آمریکا...

بنده با ما موران آمریکا انجام می‌دادیم، حالا اگر این‌ها خیانت حساب شود... این مذاکرات "غالبا با حضور دکتریزدی و وزیر امور خارجه و اکثر باشرکت امیران نظام صورت می‌گرفت."

بازگان در همین محابه اعتراف کرده است که او و دیگر دوستانش در نهضت آزادی هنگامی که مردم به دستور امیرالیم آمریکا به گلوله بسته می‌شدند، برای ما موران آمریکایی که برای رهبری سرکوب و کشتار مردم به ایران می‌آمدند، "دسته گسل می‌فرستادند."

بازگان در سراسر محابه خود کتانی داده است که چگونه برای وابستگی ایران به امیرالیم آمریکا تلاش کرده و اینک نیز از این اعمال خود دفاع می‌کند. هم میهنان مبارز!

زمانی که طبقه کارگر قهرمان و همه مردم مبارز ایران با امیرالیم آمریکا و ارتش ضد خلقی وابسته به آن بیگاری کردند، زمانی که کوچه و دیوار و خیابان از خون فرزندان دلاور خلق گلگون بود، بازگان، این سیاستدار کهنه کار سرمایه داری و همدستانش برای جاسوسان آمریکایی دسته‌های کل می‌فرستاد، به درگاه شاه و فرماندهان ارتش استغاثه می‌کنند و آنان را ملتسانه نصیحت می‌کنند که هر چه زودتر و تادیر نشده راهی پیدا کنند که از قیام توده‌ها جلوگیری شود، تا منافع طبقه سرمایه دار و امیرالیم آمریکا حفظ شود.

بازگان بعدها پس از قیام گفت: "ما باران می‌خواستیم، سیل آمد." او با این گفتار اعتراف کرده که سیاستداران سرمایه داری از امیرالیم آمریکا و از شاه، باران رحمت طلب می‌کردند، اما سیل مبارزات توده‌ها با سلطان زابه هم ریخت. بنابراین طبیعی است که او و همدستانش مثل دکتریزدی، چمبران، امیران نظام، مدنی، صباغیان و غیره با این سیل و با توده‌هایی که سرچشمه این سیل بودند، دشمن باشند و طبیعی است که اپوزی، مبارک‌زاد، این سیل هرگونه "مبادله اطلاعات" را با امیرالیم آمریکا مجاز می‌دانند.

اوبنا به گفته کارتر "بهترین دوست" آمریکا است، باید کارگران را "ضد انقلابی" نماید، او باید از دخالت مردم در امور خود ناله کند، او باید از توطئه‌های "خلوص نیت" وی بگذارد. خلوص نیت برای جلوگیری از مبارزات مردم و حفظ منافع امیرالیم آمریکا و طبقه سرمایه دار، اما طبقه کارگر و همه مردم مبارز "ساز" بر "خلوص نیت" بازگان، بزیدی، چمران، امیران نظام، مدنی و امثال آنها کتاف می‌کنند و می‌دانند که این "خلوص نیت" خلوص نیت دردشمنی با طبقه کارگر و با مردم زحمتکش و مبارز است.

بازگان خوب می‌داند که او و همدستانش بر سر مردم ایران چه آورده‌اند، بازگان خوب می‌داند که برای چه با همدستی چمران، مدنی و بزیدی، فتودال‌ها و دیگر نیروهای ضد انقلاب را علیه مردم مسلح کرده‌اند، بازگان خوب می‌داند که او و همدستانش جراتانه این حدیابنبروهای انقلابی به ویژه سازمان جریکهای فدائی خلق ایران دشمن‌اند، بازگان خوب می‌داند که او و شرکایشان اقداماتی بسیار تکان دهنده تراز آنچه تا کنون فاش شده است علیه خلق ما مرتکب شده‌اند، از همین رو است که می‌گوید: "اگر روزی در گزارش‌های چند سفارت خانه دیگر هم این اسناد به دست آید که شاید سر به ۲۰۰ فقره بزند چه از سوی آقای امیران نظام ویا سایر وزرا، نمی‌تواند دلیلی بر خیانت باشد."

او در دفاع از خود هنوز همان دلیل مضحکی را می‌آورد که فقط عقب مانده ترین و ناتکا ترین مردم کول آن را می‌خورند، او هنوز می‌گوید: "چون من و همکارانم منتخب امام هستیم، هر اقدامی که علیه مردم مرتکب شویم، درست است."

او در محابه روز دوشنبه سوم دی ماه می‌گوید:

"چرا بعضی از روزنامه‌ها به سرعت بدون اینکه به عظمت و مسئولیت خدائی ملی - مملکتی خود و قلم‌شان توجه داشته باشند، یک چنین اتهامات ناروا و ناپخته و مسلم نشده و به مرحله اثبات نرسیده را به افراد واردمی آورند و آن وقت باید کسانی که خدمتگزاران این انقلاب و مامور و منتخب مستقیم و غیر مستقیم امام بوده‌اند، در معرض اتهام و صفت جاسوسی "سیا" قرار بگیرند و به این ترتیب نظام انقلابی ما دچار تزلزل خواهد شد."

اما امروز دیگر کوس رسوائی بازگان و شرکا را بر سر بازار زده‌اند و بازگان به پیونده می‌کوشد "منتخب امام بودن" را دلیل صالح بودن ذکر کند، ما برای آگاهی هم میهنان مبارز از ماهیت بازگان، سرمایه داری که پس از آن همه رسوائی هنوز عضو شورای انقلاب است و بعلاوه گاندیدای ریاست جمهوری نیز هست، اسنادی از سوابق او را منتشر می‌کنیم.

بازگان می‌گوید: «علیه حضرت با در دست گرفتن امور خود را خسته و کوفته کرده، یک نفر جقدر وقت پیدا می‌کند که به همه امور برسد؟»

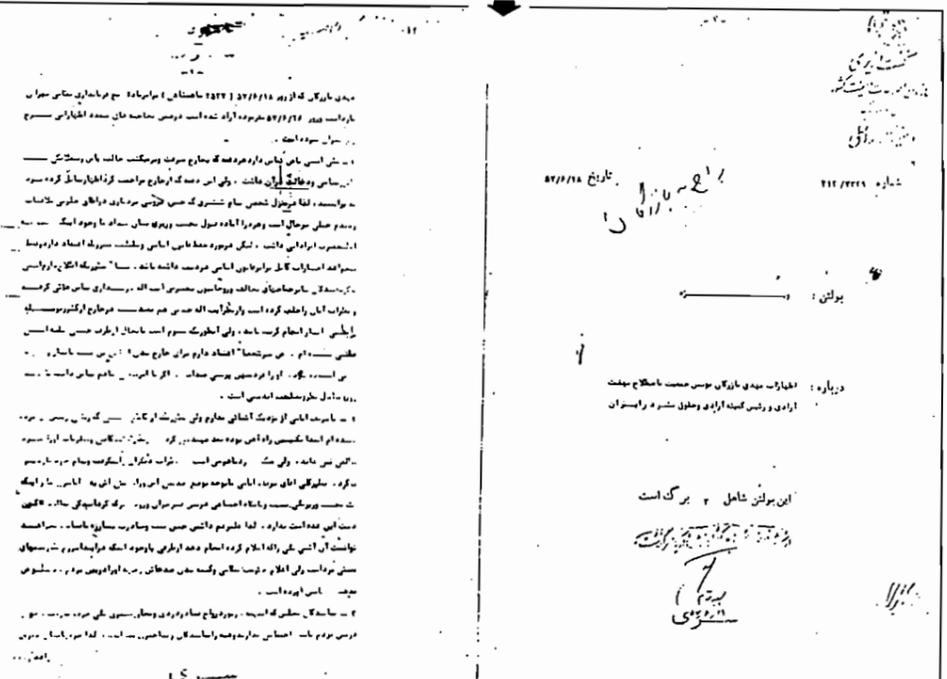
آقای بازگان وقتی که به کارنامه ۳۷ سال جنایات شاه نگاه می‌کنند، وقتی که ۷ هزار کشته، صدها هزار زخمی که همه و همه به دست رژیم شاه جنایتکار صورت گرفته، نگاه می‌کنند، می‌گویند: "علیه حضرت خود را خسته و کوفته کرده‌اند و بهتر است جای خود را بیه و لیعهد تازه نفس بدهند." چنین شخصی هم اکنون بعد از کار رفتن از نخست وزیری به عضویت شورای انقلاب درآمد و هنوز هم مشغول دلسوزی برای امیرالیم آمریکا و طبقه سرمایه دار وابسته به آن است. آقای بازگان در صحبت تلویزیونی چند ماه قبل حتی پنهان نکرده که از عوض شدن نام "بنیاد پهلوی" هم ناراحت است، او با خود می‌گوید: "خودش را بیرون کردید پس نیست؟ یا نامش دیگر چکار دارد؟" آقای بازگان همیشه می‌گفته است شاه باید سلطنت کند، نه حکومت. بازگان همان شاهپور بختیار است با این تفاوت که اهل ریش و تسبیح است و تاکنون نیز این ریش و تسبیح خدمات شایان توجهی به او کرده است.

داشته یکی دو بار می‌نویسد مدتی در دوران مسافرت با ایران ملاقات کرده است. ۱۳ - در مورد تاسیس مبادیات گروهی نهضت آزادی در آمریکا اظهار داشت دکتریزدی با خمینی ارتباط دارد و خمینی نسبت از سهم امام را برای مبارزه بوی سده و آزادی دیگری، محروم بس ارتباط را حفظ کرده و او نیز از این گفت هاسره سند نگردد. ۱۴ - جوانان و گروههای زیاد در تهران و خارج از کشور می‌باید با سازمان سوسیال که در شرایط فعلی وضع نیست، روش کند و بطوریکه با حفظ رابطه با جامعه روحانیت و بخصوص خمینی عمل کنند بهمن جهت پس از اعلام آزادیهای احزاب از طرف دولت آقای شریف امامی ما نیز تصمیم گرفتیم خطی کلی خود را روشن و اعلام موجودیت نهائیم و برای ما تنها مسیر نام آید ای که ما برای ما راه سابق نیست بود... ولی هنوز منتظر نشده و مرحله عمل در نیامده است. ۱۵ - در مورد نظرات آرام بعد از روز دوشنبه ۱۳/۱۲/۵۷ اظهار عقیده میکرد این نظرات را به همسایگان مخصوص جوانان طرفدار خمینی ادا می‌کردند. ما دعوات داشتیم و در وضع فعلی کار خوبی است که گردانندگی امور دست طرفداران خمینی است. دولت جزا امیران توده انیمه مارکسیست ها را بزرگ کرده؟ در صورتیکه مارکسیستها نیز گروههای کوچک با گاهی ندارند و کارها دست روحانیت و مذهبیان است. ۱۶ - من منتقدم علیه حضرت با در دست گرفتن تمام امور خود را خسته و کوفته کرده و یک نفر جقدر وقت پیدا میکند که همه امور را در دست بگیرد. ما نیز جاسوی در دست دولت ملی اداره کرد. ۱۷ - از نظر ما راه اعتدال سازه شده و منتقد به مبارزه اصولی و آگاه کردن و منطقی ساختن مردم به معنای دینی و مذهبی و حقوقی و مبارزه با هر نوع استبداد و تعصب و حقوق مردم میباشد. مراتب برای استحضار خاطر مبارزگان از عرض گذشت.

مهدی بازگان می‌گوید: «علی امینی را فرز مین پرستی می‌دانم اگر با آمریکا هم تماسهایی داشته باشد روی تبادل نظر و مصلحت اندیشی است؟»

علی امینی مهربه شناخته شده اسارت بار کسر سیوم نفت، وزیر کابینه سپهبد زاهدی، نخست وزیر منتخب شاه در سال ۱۳۴۱، کسی که سالها سفیر ایران در آمریکا بوده است، از نظر آقای بازگان "نخست وزیر منتخب امام" فردی است مین پرست که روابطش با آمریکا از "روی تبادل نظر و مصلحت اندیشی است". وقتی اهمیت این حرف آقای بازگان

بیشتر روشن می‌شود که در مورد ارتباط انجام وظیفه در حدود و ثغور روابط آقای بازگان در مورد امیران نظام، بزیدی و صباغیان می‌گوید: "من پاک تراز انتظام، بزیدی، صباغیان، پیدانکردم" دیگر خوب مطمئن می‌شویم که هر کس را آقای بازگان تائید کند دوست و با جاسوس امیرالیم آمریکا، دشمن طبقه کارگر و تمام خلق های مستمکن ایران است.



پر توان باد جنبش طبقه کارگر، پیشتر مبارزات ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلقهای ایران